

اُمید

در امریکانز
\$1.50

مقتدای مردم افغانستان

شمارهٔ نهم / سال سی و سوم / اول جدی ۱۴۰۳ / ۲۱ دسمبر ۲۰۲۴ / شمارهٔ مسلسل ۱۱۲۵

دل که رنجید از کسی، خرسند کردن مشکل است شیشه ی بشکسته را پیوند کردن مشکل است
کوه را با آن بزرگی می توان همسوار کرد حرف ناهمسوار را همسوار کردن مشکل است
مریم پارسا

افغان مینی مارکیت عرضه کننده
انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی
در منطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd, Springfield, VA
22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

Forced to
Flee



Afzal Nasiri

نگارش محمد
افضل ناصری
را علاقمندان
از آمازون به
دست آورده
می توانند.

Amazon.com

amazon

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو

رابطه طالب با اسلام

روزیکشبه اول دسمبر ۲۰۲۴ در پروگرام زوم سیاست افغانستان که تحت عنوان «چرا طالبان آماده گفتگو نیستند؟؟» (<https://youtu.be/UFjzCFee21s>) به میزبانی جناب محترم ضرابی خادم مردم افغانستان برایم فرستاده شده بود بحیث مستمع شرکت نمودم؛ این پروگرام به مردم افغانستان اهداء شد. دانشمندان متبحرجون حمید مرزا آقاسی، پروفیسر دکتور زمان ستانیزی و حجت الاسلام محترم ذکی ذکی حسینی به حیث مهمانان اصلی برای بحث و استدلال برای عنوان فوق حصه داشتند. محترمه داکتر فخرالنساء فیضانی، محترمه داکتر زهرا حسینی، دانشمند فرهیخته جناب یارمند و جناب نبی غوثی هم با من از جملهٔ مستمعین بودند که اجازه داشتند در بخش سوال و جواب شرکت نمایند. این نشست اضافه از دو ساعت طول کشید؛ این پالیسی جناب حامد ضرابی بزرگوار است که باید عناوین مطروحه توسط یک هسته و مستمعین در فضای اخوت و احترام متقابله دایر گردد که بی نهایت مفید ثابت شده است؛ این موفقیت را برایشان تبریک میگویم. این نشست با چند دقیقه پیش جلسه و هم بعد از توقف ثبت نشست برای چند دقیقه دیگر دوام داشت: مجلس بعد از مقدمهٔ عالمانه و ارزشمند ضرابی عزیز آغاز یافت.

درین هیأت سه نفری عنان سخن به محترم حجت الاسلام ذکی حسینی از استرالیا سپرده شد و زیز عنوان طالبان و قرآن از ایمان، اسلامیت، تقوا و یقین سخن گفتند. از تاکید شیخ عبد الحکیم حقانی که به یک مذهب تاکید دارد و مذهب شیعه را خواسته به حاشیه براند و این که اسلام تایید به عقلانیت دارد و تا عقل آزموده نشود به ایمان آوردن فرد نباید متیقن بود بیاناتی داشتند. که بفکر من اشاره به همان «قرار به لسان و تصدیق به قلب» یک انسان بالغ و عاقل است نه به زور و جبر. دوام این گفتار حسنه باید در لینک سیاست افغانستان دیده شود.

در نشست حضرت حافظ و قرآن مجید قبل از آغاز سخن توسط محترم حمید مرزا آقاسی این دانشمند متبحر و توانا جناب داکتر لقمان (الفلاح) عالم راستین اسلام دو بیت از حافظ را که رابطه حافظ را با قرآن نشان میداد بیان داشت:

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ به قرآنی که تو در سینه داری

حافظی خور ورندی کن و خوش باش ولی

دام تزویسر مکن چون دگران قرآن را

من نشست های مرزا آقاسی را تعقیب کرده ام و به نظریات شان احترام دارم اما اختلاف نظر هم موجود است. قبل ازین نشست سخنان محترم مرزا آقاسی را در باره ای قرآن کریم که معلومات عمیق تقدیم نموده اند با دلچسپی تعقیب نمودم. پروگرام «حضرت حافظ و قرآن مجید» خیلی ها دلچسپ بود و نشان داد که حافظ شیرازی عالمی بود که کون و مکان را از نگاه عمیق تحلیل کرد و قرآن منبع الهام حافظ بود ولی در بعضی سویه ها درک آن طور دیگر بود و به او مداح و مشرک اتهام بسته اند. خوشتر اینکه محترم دکتور ستانیزی قبل از شروع گفتارش در باره ای حافظ رندانه از اشتباه خود در پروگرام سابق که: «یک کلمه را نادرست تلفظ کرد یا بیان داشت» معذرت خواست و هم حافظ را در این نشست قسمیکه لایق شان اوست ماهرانه توصیف و او را دیوانه ای عشق به خدا خواند. در پروگرام «قرآن دل و جان و قرآن مکتوب» باز هم محترم آقاسی نظریات عالمانه خود را ارائه نمودند که بی نهایت آموزنده بود. از علم عقلانی و عقل تقوایی سخن ها گفته شد و گفتار خود را با تعبیر دلچسپ از این بیت با با طاهر عربان پایان بخشید:

مرا از آتش دوزخ چه می بی که دوزخ جزوی در خاکسترستم

بعد از گفتار دانشمندانی که یاد شد، آقای حامد ضرابی به

مستمعین اجازهٔ سوال از محترم آقاسی دادند که من پرسیدم:

در پروگرام گذشته اگر صحیح بخاطر داشته باشم شما (ص ۶)

سه زن افغانستانی

در بین ۱۰۰ زن تأثیرگذار در جهان



الهه سرور، حمیده امان، ذکیه خدادادی

الهه سرور، آوازخوان، ذکیه خدادادی، ورزشکار رشته ی پاراتکواندو و حمیده امان، کارآفرین رسانه و آموزش از افغانستان در این فهرست حضور دارند.

بی بی سی در مورد الهه سرور نوشته است در زمانی که صدای زنان از جامعه ی افغانستان حذف می شد، الهه سرور سرود «نان، کار، آزادی» را نوشت و خواند تا با این سرکوب مقابله کند و پیام آور امید و دلگرمی باشد. این رسانه در مورد ذکیه خدادادی نیز نوشته است که او با کسب مدال در مسابقات پارالمپیک پاریس در سال جاری میلادی، به عنوان نخستین عضو تیم پناهندگان پارالمپیک، تاریخ ساز شد. بی بی سی افزوده است که این ورزشکار که بدون یک ساعد متولد شده است، از سن ۱۱ سالگی به طور مخفیانه در یک باشگاه پنهان در زادگاهش هرات، در غرب افغانستان به تمرین تکواندو پرداخت.

بر اساس گزارش این رسانه، او در پی بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، ابتدا از فرصت شرکت در اولین پارالمپیک خود در توکیو محروم شد، اما با مداخله ی کمیته بین المللی پارالمپیک و حمایت فرانسه، او با امنیت از افغانستان خارج شد و به اولین زن ورزشکار افغانستان تبدیل شد که پس از تسلط طالبان، در یک رویداد ورزشی بین المللی شرکت کرد.

بی بی سی در مورد حمیده امان نیز نوشته است که او پس از ممنوعیت آموزش دختران از سوی طالبان، «آکادمی بیگم» را راه اندازی کرد که برای دختران محروم از مکتب، دوره های چند رسانه ای رایگان ارائه می دهد. سال گذشته این پلتفرم آموزشی بیش از هشت هزار و ۵۰۰ ویدیو به زبان های دری و پشتو ارائه کرده است که برنامه های درسی مکاتب برای صنف های هفتم تا دوازدهم را پوشش می دهد. در ماه مارچ سال جاری میلادی حمیده امان «شبکه بیگم تی وی» را راه اندازی کرد که دوره های آکادمی بیگم را از طریق ماهواره پخش می کند.

بی بی سی همه ساله فهرستی از ۱۰۰ زن الهام بخش و تأثیرگذار جهان منتشر می کند. در سال های گذشته نیز زنانی از افغانستان در این فهرست حضور داشته اند.

در میان این اطفال بسیاراند کسانی که هنوز حرف زدن و راه رفتن بلد نیستند و اطفال بالاتراز یکسال نمیدانند که پدر و مادرشان را اسرائیل کشته است، و هر لحظه در انتظار والدین خود هستند و از فراق آنها ناله دارند. اکثر چنین کودکان نه تنها والدین بلکه خواهر، برادر و خویشان شانرا هم از دست داده اند و اصطلاح بیگس و بی کوی، به معنی واقعی آن بر این معصومان اطلاق شده میتواند.

ولی اینها به سن و سالی اند که از دنیا بیخبراند، به اندازه یی معصوم و بیگناه اند که اصلانی دانند چه گپ شد و چه میگذرد، چرا پدر و مادر و خواهر و برادر از ایشان جدا شده کجانند و کی میآیند. صدای بمب و انفجار گلوله های توپ، صدای مسلسلهای عساکر اسرائیل، صدای ناله و زجر زخمیهای نیم جان فلسطینی (ص

(۷)

انجنیر عبدالصبور فروزان نیوجرسی

یتیم سازی کودکان فلسطینی. جنایتی از جنایات اسرائیل

اسرائیل تمثال وحشت و جنایت بیش از یکسال و اندی است که مردم بیگناه فلسطین را قتل عام مینماید و غزه را به قبرستان دستجمعی و جایگاه غم و اندوه تبدیل کرده و آنچه از عمران و آبادی، زراعت و سرسبزی بود به خاک و به خاک و به خاک مبدل نموده، شهروندان را اعم از زن و مرد و طفل و نوزاد، پیر و برنا، جور و ناجور بخاک و خون کشانیده است. این یکسال قتل عام و کشتار دستجمعی مردم بی گناه ملکی، ویرانی مطلق خانه و کاشانه آنها، آبادی و عمرانات غزه واقعی را برای بشریت به اثبات رساند که حقیقتا اسرائیل یک کشور مهاجم، ظالم، مستعمره گر، خودخواه، ددمنش و درنده خوبی است که به هیچ میناق انسانی و دستورات بین المللی پابند نبوده عاری از هر نوع خصلت انسانی و عطف بشری میباشد. این بیداد و ظلم نشان میدهد که عساکر اسرائیل از وحشی ترین، خونخوارترین عساکری اند که در نمای انسان ولی در اصل حیوانات وحشی، درنده و ددمنش اند.

همین اکنون که این سطور نگاشته می شود، اسرائیل بیش از ۴۴۷۰۸ انسان بی گناه فلسطین را که اکثریت مطلق شان (هشتاد فیصد) طفل و زن می باشند، قتل عام و بیش از یکصد هزار نفر را زخمی و معیوب ساخته است. قرار راپورهای نهادحمایه از اطفال دفتر یونسف بمباران اسرائیل در غزه الی ۱۶ نومبر ۲۰۲۴ تعداد ۱۷ هزار طفل را کشته، ۲۱ هزار کودک مفقودالاثر شده و ۴ هزار طفل هنوز در زیر خرابه های منازل شان مدفون اند و ۱۹ هزار یتیم شده اند. این کشتارها و ویرانی ها چه در غزه و چه در سواحل غربی فلسطین چنان بی رحمانه است که همچو بربریت و وحشت از هیچ قدرت ظالم و جابر در تاریخ بشریت حتی از هتلر و چنگیز نیز دیده نشده است.

شواهد نشان می دهد که اسرائیل همهٔ این جنایات را قصداً و عمداً برای پاکسازی و زدودن نسل فلسطین و محو کامل آنان می نماید، که به حیث جنوساید توسط مجامع بشری شناخته شده است، و دادگاه بین المللی صدراعظم اسرائیل و وزیر دفاع سابق او را جنایتکار قلمداد نموده دستوردستگیری و تسلیمی آنها را به دیوان عدالت خواسته است.

قرار اظهارات عساکر اسرائیلی در مصاحبه های شان، مقامات اسرائیل به عساکر خود دستور داده اند که آنچه از زنده جانی رامواجه میشوند به قتل برسایند و آنچه از آبادی را روبرو می شوید ویران نمایند و آتش بزنید. حیات فلسطینی بی ارزش و هرزه است. یک عسکر در مصاحبه با روزنامه گاردین گفت من به اندازهٔ آدم کشته ام، دست و پا، سر و تنه پارچه را با بلدوزر روفیده ام که اکنون وقتی گوشت را در غذایم می بینم دل بد می شوم! عسکر دیگر گفت: من به اندازه یی اطفال خوردسال کشته ام که حالانمی دانم به طفل ها خود چه بگویم!؟

اسرائیل بر علاوهٔ اینکه تعداد بیشمار کودکان بیگناه، نوزادان و حتی اطفالی که پیش از وقت موعود تولد شده و هنوز نامگذاری نشده بودند بقتل رسانیده است، تعداد وسیع اطفال، خردسالان و نوزادان را یتیم ساخته، بهترین هستی آنها که پدر و مادرشان اند از ایشان گرفته، خانه و کاشانهٔ شان را ویران و اکثریت آنها را معیوب و دچار صدمات روحی نموده است.

قرار اطلاعات رسیده از کارمندان موسسات بین المللی و خیریه در غزه، الی اگست ۲۰۲۴ اسرائیل بیش از ۱۹ هزار طفل را یتیم، بی سرپرست و بی سرپناه نموده که در میان آنان کودکان نوزاد، کودکانی که پیش از وقت تولد شده اند اطفال خردسال چندماهه، یکساله تاده و یازده ساله دیده میشود که والدین شان توسط بمباران اسرائیل نابود شده، اکثریت مفقود اند و جسد های بیجان شان هنوز در زیر خرابه ها کاشانهٔ شان مدفون اند.

آغاز دوباره کار مولفان لغت نامه ی دهخدا

خبرگزاری دانش گاه تهران در گزارشی گفت که هیات مولفان لغت نامه ی دهخدا روز چهارشنبه، ۱۴ آذر ماه پس از وقفه ای به دلیل اختلاف با مدیران دانش گاه، فعالیت خود را از سر گرفت. هیات مولفان تاکید به کار منسجم و گسترده در مورد



واژه گان فارسی کرده اند.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر سرشناس و استاد ممتاز دانشگاه تهران در این مورد گفت: «ممکن است بازگشت مؤسسه ی لغت نامه ی دهخدا به روال اصلی و عادی خود یک اتفاق معمول اداری تلقی شود، اما برای دوست داران فرهنگ فارسی و ملی می گویم که این یک امر و واقعه ی بسیار مهم و تاریخی است که مؤسسه به روال طبیعی و تاریخی خود بازگشته است و می تواند فعالیت خود را از سر بگیرد.» دکتر کدکنی تاکید کرد که این مرکز فعالیت خود را به وجه احسن پیش برده درین راستا تلاش فراوان خواهد کرد.

سرپرست دانشگاه تهران با تأکید بر اهمیت ملی این مؤسسه و وظیفه ملی در قبال آن، اظهار داشته است: «گردهمایی امروز، تکلیف بزرگی برای بنده به عنوان یک خدمتگزار دانشگاه تهران و مسوولان مؤسسه ایجاد میکند. جایگاه ملی این مؤسسه، از سوی بارسوولیت ماراسنگیتر کرده از سوی دیگر امکانی فراهم می آورد که از تمام ظرفیتهای برای اعتلا و شکوفایی آن بهره بگیریم.»

هیات مولفان لغت نامه ی دهخدا پیش از این کار روی جمع آوری واژه ها، تعریف و توصیف لهجه ها و اصطلاحات زبان فارسی می کرد. این هیات پیش تر روی جمع آوری و بررسی و شرح واژه های قدیم و تازه ی فارسی کوشش کرده است. /

سروده ی از مرحوم «سید اسماعیل بلخی» که در شرایط موجود افغانستان صدق میکند.

حاجتی نیست به پرسش که چه نام است این جا
چهل را مسند و بر فقر مقام است این جا
علم و فضل و هنر و سعی و تفکر ممنوع
آن چه در شرع حلال است؛ حرام است این جا
ریش زاهد، قلم منشی و فرم افسر
حلقه حزب جوانان، همه دام است این جا
می آزادی و وحدت نرسد از چه به ما؟
مستبد شیخ صفت دشمن جام است این جا
ما به سرمنزله مقصود چسان راه بریم؟
راهزن رهبر و خس دزد امام است این جا
فکر مجموع در این قافله جز حیرت نیست
زان که اندر کف یک فرد زمام است این جا
مگر از صحنه بستان طبیعت دوریم؟
پخته شد میوه هر کشور و خام است این جا
ما از این مدرسه ناکام روانیم چرا؟
کام جویان همه در جستن کام است این جا
برده گان سرخوش و آزاد به هرجا؛ اما -
ملتی بر در یک شخص غلام است این جا
دیگران را به فلک سبقت و دانش به دوام
رفتن ما به عقب هم به دوام است این جا
بلخیا! نکبت و ادبار، ز سستی پیداست
چاره این همه یکبار قیام است این جا

غیر از تغییر اقلیم، عوامل دیگری نیز در به وجود آمدن بحران آبی کابل نقش داشته است، از جمله حفر بی رویه چاه های عمیق، اشغال زمین های مربوط به ساحه سبز، اعمار بلندمنزل های غیر پلانی و استفاده زیاد از آب های زیرزمینی را می توان از عوامل اصلی خواند. طبق گزارش ها، سطح آب زیرزمینی کابل در سال های اخیر سالانه حدود ۵ متر پایین رفته است و اکنون خیلی از چاه ها خشک شده اند.

بحران اقلیمی و کاهش آب بارش جمعیت همراه شده است. افغانستان اکنون بالاترین سطح رشد جمعیت را میان کشور های همسایه، آسیای میانه و جنوب آسیا دارد. طبق گزارش اداره مرکزی احصایه افغانستان، میزان تخمینی رشد جمعیت کشور در هر سال، حدود ۲ درصد است. بدین ترتیب جمعیت کشور در پانزده سال حدود ۵۰ درصد بیش تر شده و انتظار می رود که در سال ۲۰۵۰ به ۶۰ میلیون برسد. تقریباً نصف جمعیت افغانستان کم تر از ۱۵ سال سن دارند و ۷۰ درصد ساکنان در دهات زنده گی می کنند. رشد جمعیت در کشورهای فقیر جهان نگرانی بزرگ است و مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیار را در پی می آورد، از جمله کمبود خدمات و زیر بناها با گذشت زمان بدتر می شود و دولت های این کشورها قادر نیستند همگام با افزایش جمعیت اقتصاد را رشد دهند و زیر بناها و خدمات لازم را فراهم سازند. افغانستان در فهرست هشت کشور دارای بیش ترین رشد جمعیت در جهان قرار دارد.

طبق آمارها، حدود ۱۰ درصد زمین افغانستان قابل کشت است. وسعت افغانستان ۶۵۲،۲۲۵ کیلومتر مربع یا حدود ۶۵،۲۲ میلیون هکتار است و در حدود ۷ میلیون هکتار از این سرزمین قابل کشت است. بیش از ۳ میلیون هکتار این زمین آبی است که حدود ۵ درصد مساحت کشور می شود. باقی زمین قابل کشت، للمی و بسیار بیش تر به باران های فصلی وابسته است. علاوه بر این، زراعت افغانستان میکانیزه نشده و بیش تر زمین های زراعتی به صورت سنتی کشت می شود، لذا میزان بهره برداری بسیار پایین است. از همین رو کشور دایم وارد کننده مواد غذایی بوده و به خود کفایی غذایی نزدیک نشده است. در شرایطی که اداره مردمی وجود ندارد، نهادهای فنی و تخصصی تقریباً تعطیل می باشند و حاکمان نه توانایی برنامه ریزی و تدبیر دارند و نه به نقش انسان در کاهش بحران های طبیعی و مدیریت خطرات باورمندند، شرایط وخیم تر شده است.

منطقه ما همان طوری که در آغاز گفتیم یکی از آسیب پذیرترین مناطق از جهت تغییرات اقلیمی ناشی از گرم شدن زمین است و با افزایش دما، بحران کمبود آب در اثر کاهش بارش و کاهش سطح آب های زیرزمینی، گسترش بیابان، توفان ریزگردها و افزایش سیلاب با آب شدن یخچال ها روبه رو است. این وضعیت امنیت غذایی منطقه را به خطر انداخته و باعث افزایش مهاجرت شده است. این منطقه، به خصوص افغانستان به سمت آینده پرخطر پیش می رود. با وجودی که افغانستان و نیز تا حدودی کل منطقه در انتشار گازهای گلخانه ای سهمی خیلی ناچیز داشته و افغانستان از این لحاظ در میان ۲۰۹ کشور رتبه ۱۷۹ را دارد، اما متأسفانه در مقابل این بی عدالتی فعلاً کاری نمی توان کرد.

برای کاهش اثرات ناگوار تغییرات اقلیمی باید تلاش نظام مند و مبارزه پی گیر صورت گیرد. مسوولیت عمده این کار به دوش دولت هاست. متأسفانه افغانستان در چنین وضعیتی اضطراری دچار حاکمانی شده است که نه تنها توانایی و پلانی برای مبارزه با اثرات ناگوار تغییرات اقلیمی ندارند، بلکه به تدبیر انسانی جز در سرکوب مخالفان و حفظ قدرت، در هیچ کار سازنده ای بها نمی دهند. در زمان جمهوریت نیز اگر چه کار اجرایی ملموسی برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی صورت نگرفته بود، اما حداقل این آگاهی وجود داشت که بحران های اقلیمی در راه است و باید برای مبارزه با آن آماده گی گرفت. کارهای مقدماتی از جمله تدوین چارچوب های حقوقی و اداری و تماس و امضای توافق نامه با تعدادی از سازمان های بین المللی برای همکاری متقابل و جلب حمایت های فنی و مالی انجام شده بود. مهم تر از آن اداره جمهوری مشوق تعلیم، کار و آزادی بود و این درازمدت کشور را از نظر نیروی بشری و امکانات فنی برای مبارزه با حوادث و بحران ها آماده می ساخت. اکنون وطن ما تحت حاکمیت طالبان در همه ابعاد شاهد عقب گرد است و از این رو ظرفیت مبارزه با فجایع طبیعی و اتخاذ تدابیر برای کاهش عواقب این فجایع نسبت به دوره جمهوری کاهش یافته است. بیش ترین آسیب این وضعیت را افراد فقیر متحمل می شوند. فقر و بیچاره گی بیش تر و مهاجرت به خارج جهت یافتن یک لقمه نان، با وجود موانع زیاد هر روز بیش تر می شود. باید سعی شود که فعالیت های زراعتی، اقتصادی، مدیریت آب، انرژی و دیگر امور مربوط به محیط زیست (دنباله درص ۶)

دکتر ضیاء نظام افغانستان در گرداب تغییر اقلیم. افزایش جمعیت و بی دولتی

منطقه ما بیش تر از خیلی مناطق دیگر جهان تحت تاثیر تغییر اقلیم قرار گرفته است. در این منطقه قلت آب هر روز تشدید می شود و جمعیت به سرعت رشد می کند. گرمی کم سابقه زمین و اثرات ناگوار آن در جهان، به خصوص در منطقه ما، با گذشت زمان به اشکال مختلف از جمله خشک سالی، سیل، کمبود شدید آب و هوای آلوده آشکارتر می گردد. در این روزها منطقه خلیج فارس، بخش هایی از پاکستان و افغانستان شاهد گرمی کم سابقه است و در برخی شهرهای ایران و کشورهای عربی فعالیت های روزمره مختل شده است.

تلاطم و بی نظمی آب و هوایی در افغانستان زنده گی روستایی و شدیداً وابسته به زراعت اکثر باشندگان را دچار بحران پیهم و غیر مترقبه کرده است. خشک سالی، باران و سرما و گرمای بی موقع، سیلاب و توفان، محیط زنده گی مردمی را که از ابتدایی ترین امکانات حیات محرومند، مدام زیور و می کنند. اخیراً باران و توفان در ولایت ننگرهار ویرانی بسیار، ده ها کشته و صدها زخمی به جا گذاشت. خزان و زمستان سال قبل در بیش تر مناطق کشور بدون برف و باران گذشت، طوری که بهار امسال زمین ها خشک و لغزنده بود. آنگاه باران های شدید در شمال شرق، شمال غرب و برخی مناطق مرکزی و جنوب غربی سیلاب های ویرانگری را خلق کرد که زمین های زراعتی، راه ها و خانه ها را می بلعید.

کارشناسان اقلیم سازمان ملل متحد باور دارند که ۲۰۲۳ با وجودی که گرم ترین سال ثبت شده است، اما در سال های پیش رو، ریکارد این سال بارها و به تکرار خواهد شکست. آقای گوتیش، سرمنشی ملل متحد، هشدار داده و افزوده است که ذوب یخچال های طبیعی، سیل های مرگبار، توفان های شدید و خشک سالی های بی دریغی از جمله اثرات مخرب تغییر آب و هواست. نام برده این مطلب را در نشست اخیر ماه جون سران سازمان همکاری شانگهای اظهار داشت.

در خاورمیانه و آسیای مرکزی، گرمی هوا دوبرابر اوسط جهانی افزایش یافته و پیامدهای آن بر دولت ها و ساکنان فقیر این منطقه صدمه زیاد وارد کرده است. گاهی این امر باعث تشدید تنش بین کشورهای منطقه شده است و این تنش ها در آینده ممکن است به منازعات پرهزینه و ویرانگر بدل گردد.

دفتر هماهنگی امور بشردوستانه ملل متحد (اروپا) در گزارش ۹ جنوری ۲۰۲۴ اظهار داشته است که ۳۰ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان با کمبود شدید آب مواجه هستند و افغانستان در سال ۲۰۲۳ بدترین خشک سالی ۳۰ سال اخیرش را متحمل شده بود. همچنان در گزارش آمده است که اکنون در سومین سال متوالی با شرایط مشابه خشک سالی، چالش های زیست محیطی و اقتصادی مردم تشدید شده است. در نتیجه افغانستان در بالاترین سطح ناامنی غذایی در جهان قرار گرفته است. افزایش گرما در افغانستان از سال های ۱۹۵۰ به این طرف دوچند اوسط جهانی است و بیابانزایی بسیار سرعت گرفته است.

اداره انکشافی سازمان ملل متحد در افغانستان، به تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۲۴ اعلام داشت که ۶۷ درصد مردم افغانستان در سال گذشته با مشکلات حاد ناشی از خشک سالی مواجه بودند و در عین حال ۱۶ درصد مردم از اثر سرازیر شدن سیلاب ها آسیب دیده اند. نماینده اداره ملی حفاظت از محیط زیست تحت کنترل طالبان گفته است که از اثر تغییرات اقلیمی ۲۱ میلیون نفر در افغانستان با کمبود آب روبه رو بند. در کابل، پایتخت کشور، مردم با کمبود روزافزون و شدید آب مواجه هستند. رشد جمعیت و پایین رفتن سطح آب از عوامل اصلی این وضعیت در شهر کابل است. بر اساس ماستر پلان سال ۱۳۵۷، نفوس کابل ۷۰۰ هزار نفر در نظر گرفته شده بود و فعلاً حدود شش میلیون تن، یعنی بیش از هشت برابر آن پلان در این شهر زنده گی می کنند، در حالی که حتا زیر بناهای لازم برای آن پلان حداقلی نیز هنوز تکمیل نشده است.

Maaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمدقوی کوشان

پروفسور داکتر ذبیح الله التزام گلبرت ، اریزونا

جنگ تعرفه

امریکا بزرگترین اقتصاد دنیا را صاحب است . عاید غیر خالص داخلی اش بالغ بر ۴/۲۷ تریون دالر بوده در حالیکه عاید داخلی غیر خالص چین که اقتصاد دوم دنیا را تشکیل میدهد به ۸/۱۷ تریون دالر یا معادل ۶۵٪ عاید امریکا میرسد . اقتصاد چین حدود بیش از پنج درصد در سال پیشرفت دارد و در امریکا ارزش این متحول به معادل تقریباً نصف این فیصدی می رسد . اقتصاد امریکا با وجود قدرتی که دارد با یک سلسله مشکلات عظیم روبرو گردیده است . مثلاً کسر بودجه به ۸/۱ تریون دالر رسیده و مقروضیت دولت که سال بسال در اثر کسر بودجه افزایش می یابد به ۳۵ تریون دالر تقرب یافته است . در عین زمان کسر بیلانس تجارت نیز که یک رقم سرسام آور را احتواء مینماید در حوالی هشتصد بلیون دالرمی باشد . مزید بر اینها انفلاسیون و خیم دامنگیر امریکاشده قوه خرید عاید سرانۀ افراد را به کاهش لجام گسیخته ی مواجه ساخته است .

شاخص قیم (چپمن) که قیم یک صد و پنجاه قلم ضروری و روزمره عوام را بررسی میکند فیصدی ارتقاء قیم را در شهرهای بزرگ امریکا از قبیل نیویورک، لوس انجلس، شیکاگو، فینکس و غیره بین ۸ و ۱۱٪ در سال نشان می دهد . رئیس جمهور منتخب امریکا این پروبلمها را بر علاوه مشکلات عدیده دگر از اداره پریزیدنت بایدن به ارث میگیرد و سعی می ورزد که راههای در پیش گرفته شود که به زعم خودش امریکا را از این بحرانات نجات دهد و یا لاقلاً آنها را تقلیل بخشد . بزرگترین حربه را که در نظر دارد درین راستا استعمال نماید تخفیف کسر موازنۀ تجارت است که البته در پهلوی آن بسا تجاویز دیگر نیز مدنظر می باشد از قبیل افزایش استخراج گاز و پترول و ذغال سنگ و کوشش برای دریافت راه تقرر صلح بین روسیه و یوکرین که منجر به صعود قیم مواد سوخت و محصولات زراعتی گردیده است .

برای اینکه نه تنها از کسر بیلانس تجارت کاسته شود بلکه صنایعی را که در خارج از امریکا کالا های وارداتی را تولید می نمایند در داخل خود امریکا انتقال یابند، سیاست امریکا کمپیش به ازدیاد تعرفه های گمرکی بالای کالاهای وارداتی که از ممالک مختلف و خاصاً از چین، مکسیکو و کانادا سرازیر می شوند اتکاء می نماید، چنانچه آقای ترمپ ابلاغ کرده که ۲۵٪ تعرفه بر تمام کالاهای وارداتی مکسیکو و کانادا وضع نموده و ده فیصد بالای تعرفه های موجود از چین را افزایش خواهد داد و تعرفه گمرکی بر واردات از چین رابه بین شصت تا یکصد فیصد ارتقاء خواهد بخشید .

اعضای پیمان برکس (برازیل، روسیه، هند، چین، افریقای جنوبی، مصر، یوتیبیا، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عرب) نیز از چنین اقدام پریزیدنت ترمپ در امان نخواهند ماند. اگر آنها بالای تقلیل دادن نقش دالر امریکائی بحیث پول ریزرف بین المللی به پافشاری خود ادامه بدهند .

در عین زمان آقای ترمپ به مکسیکو اخطار کرده که اگر جلو ورود غیرقانونی افراد و مواد مخدره را از مکسیکو به داخل سرزمین امریکا نگیرد بر تمام امتعه ایکه از آن مملکت وارد می شود بیست و پنج فیصد تعرفه اضافی اضافه خواهد شد .

اینطور به نظرمی رسد که امریکا از تعرفه گمرکی بحیث یک حربه در ساحات اعم اقتصادی و سیاسی در میدان بین المللی استفاده خواهد کرد و همچنان معلوم میشود که درین راستا فرقی چندانی بین دوست و مخالفین قایل نمی باشد .

وضع کردن تعرفه گمرکی یک سیاست تازه نیست بلکه در بسا اوقات از ازمئه گذشته تا حال از طرف کشورها در مقابل یکدیگر استعمال شده که البته این عملیه در بسیاری موارد به ضرر جانبین انجامیده است .

درستور ذیل اثرات منفی تعرفه گمرکی بر کالای وارداتی مخصوصاً آنهایی که از چین وارد امریکا می شوند مختصراً بررسی می شود .

تعرفه گمرکی به چهار شکل وضع می گردد . اول تعرفه بر حسب قیمت یعنی معادل چند فیصد ارزش متاع . اگر تعرفه ده فیصد باشد که بالای قیمت مندرج بیجک که صد افغانیست وضع گردد، قیمت جنس که از گمرک خارج می گردد برای وارد کننده یکصد و ده افغانی تمام میشود .

دوم تعرفه اختصاصی می باشد که در گمرکات افغانستان بنام نرخ مستقل مسمی است و آن عبارت از مبلغ تعرفه فی واحد یک جنس است مثلاً صد افغانی فی کیلوگرام رخت سندی و یا شش افغانی فی درجن تخم مرغ .

سوم تعرفه مختلط است که مشتمل میباشد بر مجموع تعرفه بر حسب قیمت و نرخ مستقل، مثلاً ده فیصد قیمت مندرج بیجک جمع پنج افغانی فی واحد جنس وارده . چهارم تعرفه مرکب که عبارت است از تعرفه بر حسب قیمت مندرج بیجک و یا نرخ مستقل که هر کدام ازین دو بزرگتر باشد . مثلاً ده فیصد نرخ مندرجه بیجک و یا ده افغانی فی واحد جنس، که هر کدام ازین دو که بزرگتر باشد وضع می گردد . صرف نظر از نوعیت تعرفه در مجموع هر تعرفه بر حجم و قیمت تمام شد و بالاخیره بالای قیمت یک جنس که مشتری می پردازد تأثیر واردمی کند . تأثیر تعرفه بالای مستهلک عمدتاً متعلق است بالای عکس العمل مشتری در برابر تغییر در قیمت . اگر بلند رفتن قیمت فروش یک جنس در اثر وضع تعرفه تأثیر زیاد بر مستهلک وارد نسازد شاید یک فیصدی زیاد تعرفه بار دوش مستهلک کشور وارد کننده گردد، و یک فیصدی کم آن از جیب فروشنده خارج پرداخت شود تا از دست دادن مشتری جلوگیری شده بتواند .

برخلاف اگر مقدار تعرفه قیمت فروش راطوری بلند ببرد که مشتری از خرید تا اندازه زیاد منصرف شود در آنصورت فرشنده خارجی به منظور جلوگیری از ازدست دادن مشتری، قیمت فروش خود را تا اندازه زیاد کاهش میدهد که در آنصورت قسمت زیاد تعرفه بار دوش فروشنده صادر کننده میگردد که اگر حیثاً تاجر صادر کننده توان تقبل آنرا نداشته باشد در آنصورت تعرفه کار خود را به خوبی انجام داده صادرات کشور خارجی به اندازه زیاد کاهش می یابد و کشور وارد کننده تجسس می کند تا غرض اقناع اتباع خود یعنی بازار داخلی خود تولیدات داخلی را توسعه بخشد و سطح تولید و استخدام را بلند ببرد . منظور اولیۀ سیاست مداران از وضع کردن تعرفه همین است . اما در هر صورت کشور واضع تعرفه نیز تیک اندازه صدمه پذیرمی باشد .

در دوره اول ریاست جمهوری آقای ترمپ محصول گمرکی بالای چندین قلم مهم وارداتی از چین از قبیل پنلهای آفتابی، ماشینهای رخت شوئی، فولاد و ارمونیه بلند برده شد که در نتیجه حرکت انتقام جویانه چین نیز بالای واردات خود از امریکا تعرفه را بلند برد و نتیجتاً صادرات مواد زراعتی امریکا به بالغ بر ۲۷ بلیون دالر کاهش منجر گردید و دست دوصد و پنجاه هزار کارگر امریکائی از کار گرفته شد .

دولت امریکا برای جبران خساره مالی که به زارعین امریکا از این رهگذر عاید شد مبلغ شصت و یک بلیون دالر کومک مالی وعده سپرد . اگر مقادیر تعرفه های گمرکی که ترمپ در دوره دوم حکومتداری خود در نظر گرفته، تحقق یابند قرار مطالعات بعض اقتصاد دانان مؤسسه اقتصاد بین المللی پیترسن مبلغ دوهزار و ششصد دالرفی سال خساره متوجه هرفامیل امریکایی خواهد گردید .

تعرفه گمرکی معمولاً قیم امتعه را در کشور وارد کنند بالا می برد بدون اینکه بالای سطح استخدام تأثیر مثبت و قابل وصفی وارد سازد . شاید در اثر تعرفه وارداتی، تجار کشور بکوشند منابع جدید مواد مورد نیاز را جستجو و دریافت نمایند و بعبارة دگر سوق تجارت را تغییر دهند . چنین یک اقدام نیز در نهایت امر در بلند بردن سطح استخدام کشور شان ممد واقع نخواهد شد . ممالک صادر کننده به امریکا همچو چین در تولید امتعه صادراتی شان از کارگرانی استفاد میکنند که در امریکا میسر یا عملی نباشد . شاید چین از یک تکنالوجی کار بگیرد که نسبت به تکنالوجی که امروز در امریکا رایج است فرق زیاد داشته باشد .

در امریکا بیشتر بالای وسایل سرمایوی اتکاء می شود و در چین از کارگر کم مزد بیشتر و از ماشین و افزار گرانبهاء کمتر استفاده بعمل می آید که قیمت تمام شد تولید در چین را نازلتر میسازد . ازین لحاظ نیز وضع کردن تعرفه گمرکی از طرف امریکا سطح استخدام را در امریکابه حد چشمگیری ارتقاء نخواهد بخشید . مزید بر آن چین به منظور گریز از زیر بار تعرفه وسایل تولید را به ممالکی که از تعرفه وارداتی امریکا آزاد هستند انتقال دهد و مال خود را از آن ممالک به امریکا صادر کنند . اینچنین یک روش در گذشته تحقق یافته است .

اگر چین تعرفه را بالای مواد خام و یا پرزه جات وسایل سرمایوی که به امریکا صادر میکند افزایش دهد این رویداد نیز به استخدام کارگر در امریکا کومک چندانی نمی کند . در چنین حالات امریکا شاید نتواند بزودی ممکن تعویضی برای چین بحیث فروشنده سراغ کند و امتعه مورد نیاز فابریکه های خود از آنجا وارد نماید . تعدادی از وارد کنندگان امریکا که از مشتریان عمده و سابقه دار کشوری همچو چین بوده و با چنین قراردادهای طویل المدت دارند و اموال شان مزین به لیبیل های مخصوص می باشند و مشتریان شان در امریکا به چنین لیبیل ها و مشخصات ارج می گذارند نمی توانند به آسانی تهیه کنند گانی سراغ کنند که امتعه شان برای مشتریان امریکایی قناعت بخش و دلخواه باشد .

در آنصورت این دسته وارد کنندگان سابقه دار چین مجبوراً به نسبت کمبود عرضه قیمتتهای فروش شان را در بازار امریکا بلند بپزند و تعرفه گمرکی را قسمتاً بالای مشتریان امریکائی تحمیل نمایند . اگر این روش درست کار نداد و فروشات تقلیل یافت نتیجه این خواهد بود که یکدسته از اتباع کشور بنا بر قلت جنس محرومیت بکشند و ناراض شوند .

قرار مسموع چین در نظر دارد که صدور بعض مواد خام مورد نیاز امریکا را از قبیل معدنیات نادر از قبیل گیلیوم ، جرمیلیوم ، انتیمونی و غیره که چین بالای آنها قوه انحصاری دارد بیشتر محدود سازد و یا کاملاً متوقف سازد . اگر این رویداد تحقق یابد خساره هنگفت متوجه صنایع مهم امریکامیگردد بدون اینکه ضرری متوجه چین شود . چین همچنان میتواند تعرفه بر مواد زراعتی امریکا وضع نماید و یا به تعرفه های موجود بیافزاید و یا صادرات چنین مواد را به امریکا متوقف سازد . همین اکنون چین خریداری مثل برزایل برای محصولات زراعتی خود آماده دارد حالانکه امریکا برای صدور اموال خود که فعلاً به چین می رود شاید قادر نباشد مشتریان تازه پیدا کند که بزودی ممکنه جای چین را بگیرند . ولی باید تذکر داد که واردات امریکا از چین سه چند واردات چین از امریکا میباشد که بنا بر آن اگر هر دو کشور عین فیصدی تعرفه بالای واردات همدگر وضع نمایند خساره بیشتری به چین وارد می گردد .

یک نکته دگر اینست که در حال حاضر دولت امریکا به اندازه هشت صد بلیون دالر مقروض چین می باشد . چین می تواند یک مقدار اسناد قرضه در دست داشته را در معرض فروش بگذارد که در نتیجه در اثر توسعه عرضه اسناد در بازار اسناد قرضه قیمت آنها تنزیل کند و متقابلاً فیصدی ربح صعود نماید و نه تنها فشار اضافی را بالای بودجه دولت در تمویل بعدی اسناد قرضه وارد سازد بلکه اعتبار مردم را به توانایی بعدی دولت راجع به فروش اسناد قرضه و تمویل بودجه ضعیف سازد . اما این چنین حرکت به نقص چین نیز تمام خواهد شد . چین در بیلانس تجارت خود مازاد دارد و اگر اسناد قرضه را بفروش برساند مازاد بیلانس تجارت به کسر مبدل خواهد شد زیرا فروش اسناد قرضه توسط چین مقدار دالر را در بازار پول توسعه میدهد که بالا تر قیمت دالر کاهش می یابد و برخلاف قیمت پول چین بالا میرود .

در نتیجه قیم امتعه صادراتی چین صعود کرده مقدار صادراتش کاهش می یابد و قیم کالاهای وارداتی که به دالر معا مله می شوند تنزیل یافته واردات به چین افزایش می یابد . در عین زمان باید تذکر داد که مبالغ هنگفتی را که چین از ماحصل فروش اسناد قرضه بدست می آورد باید به کدام مملکت دگر سرمایه گذاری نماید . یگانه مرجع معتبر دگر که البته به پایه خزانه دولتی امریکا رسیده نمی تواند منطقه یورو خواهد بود ولی این منطقه اعضای اتحادیه اروپا نیز اخیراً دچار مشکلات گردیده و از اعتبار کافی مثل سالیان ماضی برخوردار نمی باشد و به هیچوجه به سوییۀ خزانه امریکا مستعد و معتبر نیست .

خرید اسناد قرضه امریکا توسط چین گویا کریدتیست که چین به امریکا ودیعه میکند تا امریکا قادر شود بوسیله آن از چین مال خریداری کند . چین در معامله با امریکا پالیسی (نقد امروز قرض فردا) را نه بلکه پالیسی (قرض امروز نقد فردا) را تعقیب کرده که تا بحال به نفعش تمام شده است . چین نباید این منفعت را یکی یکبار از دست بدهد .

اگر چین و مکسیکو و کانادا دست را یکی کرده و فروش مواد عمده زراعتی به امریکا را تخفیف دهند در آنصورت وضع افلاسیون کنونی از بد بدتر خواهد شد و امریکا را از کرده پشیمان خواهد ساخت . مؤسسه اقتصاد بین المللی پیترسن پیش بینی کرده است که در اثر جنگ تعرفوی پریزیدنت ترمپ بر علیه چین و مکسیکو و کانادا اگر تحقق یابد اقتصاد امریکا در سال ۲۰۲۶ به اندازه یک فیصد تنزیل خواهد کرد و سطح انفلاسیون در سال ۲۰۲۵ به اندازه دو فیصد به مقایسه سال جاری بالا خواهد رفت .

عوام الناس معمولاً به اثرات منفی تعرفه وارداتی (و هم صادراتی) پی نمی برند و اما به لهجه و طمطراقی که سیاست مداران حس وطن دوستی آنها را تحریک می کنند عوام از سیاست تعرفوی زعمای شان استقبال می نمایند .

لازم است که امریکا در ساحة استفاده از حربه تعرفه گمرکی برای کم کردن مشکلات اقتصادی اش تکیه به جلو رفتار نماید زیرا حریفانش به هیچوجه دست زیر الاشه نه نشسته بلکه دست را با هم یکی کرده به حیث یک معامله دار مقتدر به دفاع خود می پردازند و به پیکر اقتصاد امریکا صدمه وارد می سازند . در آنصورت جانبین خساره مند می شوند . بهترین معامله تجارتنی آنست که به نفع جانبین بانجامد . تجارت آزاد (مبری از تعرفه گمرکی و سایر قیودات) (دنباله درص ۶)

برگرفته از مجموعهٔ سوگواران، نگاشتهٔ داکتر سیدمخلوم رهین تازیانهٔ بهرام

آن شب هنگامی که سپاه آریانا به فاصلهٔ دوری از نبردگاه به دامن کوهسار عقب نشینی نمود، سربازان و افسران همه کوفته و افسرده بودند. شمارهٔ گشتگان و زخمیان ییحد و حساب بود. سپاه آریانا به علت شکست درین پیکار توانست همهٔ کشتگان وزخمیان خود را از نبردگاه بیرون ببرد. درهمین حال که همه سربازان و افسران مانده وخسته و پیریشان بودند، ناگهان بهرام فرزند گودرز سپهسالار بزرگ، با عجله وشتاب بطرف سراپردهٔ سپهسالار پیر رفت وبا ادب وتواضع اظهارداشت:

هنگامی که بدنبال تاج شهزادهٔ جوان به نبردگاه رفتم، درلحظاتی که توانستم تاج را از زمین بردارم، تازیانهٔ من گم شده است وبه گمان غالب درهمان نقطه برزمین افتاده است . روی چرم آن تازیانه نام من نوشته بود. اگر پس از عقب نشینی ما تازیانهٔ من بدست دشمن بیفتد و دشمن بداندکه تازیانهٔ بهرام را درمیدان جنگ یافته است، برای من شرم و ننگ بزرگی خواهدبود. اکنون میخواهم دوباره به نبردگاه بروم و تازیانهٔ خود را پیدانموده برگردم .

سپهسالار پیر لحظه ای به فکر فرو رفت وپس ازآن خطاب به فرزندش گفت: نبردگاه امروز پس ازعقب نشینی ما کاملاً بدست دشمن افتاده است این کار تو بی نهایت خطرناک است. برعلاوه بخاطریک تازیانه که از یک پارچه چرم بسته برچوب ساخته شده است، لازم نیست جان خود را به خطریندازی. بهرام باکمال ادب گفت : ای پدر و ای سپهسالار ! توپیش چشم خودت دیدی که ده هاتن از مردان برگزیدهٔ دودمان بزرگ ما در این نبرد حق طلبانه کشته شدند، من بهتر ازهیچکدام آنان نیستم، وانگهی هر جا که زمان آدمی فرارسد به کام مرگ فروخواهد رفت.

گیو برادر بهرام که از سالاران نامدار سپاه آریانا بود، رو بسوی برادر کرده گفت : من تازیانه های بسیاری دارم که شاید درجهان بی نظیرباشند، یک تازیانهٔ زرنگار ونقره کاردارم که گوهرهای گرانبهایی بردستهٔ آن نشانده اند. هنگامی که فرنگیس مادرسیاوش مرا مورد عنایت قرارداد ودستور داد که گنجینهٔ سیاوش رابرایم بازکنند، به من گفت که از میان آن گنج هرچه را می خواهم بردارم، اما من فقط یک دست زره وهمین یک تازیانه را که درباره اش برایت گفتم برداشتم. یک تازیانهٔ جواهرنگار بسیارگرانها نیز کیکاوس شهربار بزرگ به من بخشید که جواهرآن مانند ماه فروزان است. بغیراین دو تازیانه، پنج تازیانهٔ دیگرنیز دارم که هرپنج آن زرنگار وگوهرنشان است. من حاضر م هرهفت تازیانه را به تو ببخشم، اما تو درین شب پرخطر ودرین لحظهٔ سهمگین به میدان مرو و بخاطر یک تازیانهٔ بی بها خودت را به کشتن مده . بهرام به گیو پاسخ داد : این شرم بزرگی است که تازیانهٔ من درمیدان جنگ بدست دشمن بیفتد. شما سخن ازنقش ونگار میگویید ولی من نگران آنمه که نام من ننگین شد : چنین گفت باگیو بهرام گرد که این ننگ راخوار نتوان شمرد شما راز رنگ ونگاراست گفت مرا آن که شدنگ بانام جفت من همین اکنون به نبردگاه میروم، یا تازیانه ام را باخودمی آورم ویادرین راه خودرا به کشتن می دهم . این را گفت و براسپ سوار شدویسوی رزگاه حرکت کرد. ماهتاب پهنهٔ شب را روشن کرده بود وبطور اسرارآمیزی بر نبردگاه می تابید. درمیدان نبرد کشتگان بسیاری افتاده بودند :

همه دشت پر خسته و کشته بود جهانی به خون اندر آغشته بود بهرام از کنار کشتگان گذشت، به هر کشته ای که نگاه میکرد اشک از دیدگانش سرازیرمیشد . درمیان این کشتگان چشمش به (ریو) شهزادهٔ جوان افتاد که درمیان خاک وخون افتاده بود. درهمان حال که بهرام از کنار کشتگان می گذشت، صدای ناله ای به گوشش رسید، یکی ازافسران سپاه آریانا بود که زخمی شده وبرزمین افتاده بود، بهرام به کنار او آمد. مرد زخمی بهرام راشناخت. بهرام درحالیکه حالت غم انگیزمرد زخمی شدیدآدل او را به درد آورده بود گفت : بگو چه میخواهی ؟ مرد زخمی گفت: ای پهلوان دو روزیشود که آب ونان نخورده ام ودلم می خواهد لقمه نانی وجرعه آبی میسر شود ولحظه بربالین بخوابم . دوروز است تانان وآب آرزوست مرا بر یکی جامه، خواب آرزوست

بهرام با دل دردمند وپرغصه قسمتی ازلباش راپاره کرد وزخم آن مرد را بر بست وگفت: نگران مباش و تشویش مکن، تو فقط زخمی شده ای ومشکل تو خونریزی زخم تست، حالا پس ازبسته شدن زخم به آسانی خواهی توانست که به نزد لشکر مایرگردد. من درهمان لحظه ای تاج ریو را از چنگ دشمنان وصحنهٔ جنگ بیروم می کشیدم تازیانه ام گم شدوحالا میروم که تازیانه ام را ازمیدان جنگ بردارم، پس ازآن پیش توخواهم آمد وترا با خود به نزد لشکرآریانا خواهم رساند. (ص ۶)

خواجه محمدنعیم صدیق

مشایخ لوگر

سید نجات قلندر

ای گدایان خرابات خدا یار شماست

چشم انعام مدارید ز انعامی چند (حافظ رح)
سیدنجات یا شاه نجات قلندر از معاصران سلطان محمود غزنویست. موصوف علاوه برنسب عالی، دارای حسب بالاتراز تصور ماست.

سیدنجات قلندر عالم جید و صوفی باصفابوده شاگردان وارادتمندان زیادی به گرد او جمع بودند ومنحیث رهنما و مرشد واصل دربین اخلاصمندان خود قراردادش، ولی درجریان سیرو سلوک روش قلندری رابخودگرفت و خوارق اظهارن الشمس از او به ظهورپیوست . روایت است که محمودغزنوی به درد شکم مبتلاشد، معالجهٔ اطباء موثرواقع نشد، کسی رانزد سیدنجات قلندرفرستاد، او شان کفش خودرا به محمودفرستاد تا برشکمش بمالد. به مجرد رسیدن کفش دردشکمش راخدای مهربان رفع نمود. ارادت سلطان محمود به اوافزون گشت و وفدی متشکل از اراکین کابینه را نزد او فرستادتا اورا به اعزاز واکرام به غزنین بیاورند، ولی او نپذیرفت. به تعبیرحاجی صاحب سروردهقان که گفته است:

سلطنتم اگر دهند به در کس نمی روم

سلی فقر می خورم منت شاه نمی کشم
وتاپای جان درمحل زیست خود(هونی سیدان) مرکزولایت لوگر بازماند تا اینکه پیک اجل به سراغش رسید وبه رحمت حق پیوست. مزار مبارک شان زیارتگاه خاص وعام است. شجرهٔ نسبی شان به این ترتیب به حضرت محمد مصطفی صل الله علیه وسلم میرسد : سیدنجات ابن سیدفضل ابن سیدمخدوم ابن سیدمحمود ابن سیداحمد ابن سید جلال بخاریچ ابن سیدعلی ابن سیدجعفر ثالث ابن احمدثانی ابن سیدعبدالله ابن سیدمحمد ابن سیدتارک ابن سیدجعفر ابن امام عسکری ابن امام تقی ابن امام کاظم ابن جعفرصادق ابن امام باقر ابن امام زین العابدین ابن حسن ابن علی و فاطمه الزهرا بنت محمدصل الله علیه وسلم .

اولادهٔ اوعبارتند از: میربهادرشاه ابن میرغیاث الدین ابن میرنورالدین ابن میر شمس الدین ابن میریعقوب شاه ابن سیدمقیم شاه ابن سیدمراد ابن سیدظاهر ابن سیدنجات قلندر.

درسال ۱۳۵۹ پسرجوان شان محمداسماعیل جان ازطرف کمونیستان به شهادت رسید. جناب خلیفه صاحب درسال۱۳۵۳ش



به عمرهشتادسالگی داعی اجل را لیبیک گفته، جنازهٔ شان به امامت حضرت ضیالمشایخ صاحب ومحضرجمع غفیری از علمای کرام ادا گردید درجوارسیدنجات قلندربخاک سپرده شد./

زیارتگاهی در قلب شهر کابل(فعلاً بداخل محوطه تعمیر وزارت مخابرات) قرارداد که بنام زیارت خواجه دوست خواند شهرت دارد اسم اصلی خواجه دوست خاوندرامحمد بن احمد الحصراری نگاشته اند که یکن از خلفا نقشبندیه بوده و معاصر ظهیرالدین محمدبابردر کابل میزیست.دریکی دومیع چنین آمده اما بیشترازین معلوماتی دردست نیست.(از رخنمای آقای محمدایوب عظیمی) درپژوهش محققانهٔ خود، شاعر وخوشنویس شهیرمعاصرما شادروان استاد الحاج محمد ابراهیم خلیل الجامی،تحت شماره ۷۷ چنین نوشته اند : مقبرهٔ دوست خاوند(رح) یکی ازرجال خبیر دورهٔ بابرشاه، درحاشیهٔ جنوبی پارک زرنگار، متصل دیوار تعمیرهزده طبقه بی(مخابرات) موجوداست که اسم مبارکش محمدبن احمدالحصراری بود و یکی ازخلفای حضرت خواجه بهاءالدین نقشبند(رض) میباشد. درسال ۸۳۲ هجری قمری چشم ازجهان بست.

اداره: چنانچه همکاربرازنده ودانشمندجناب خواجه محمدنعیم صدیق، درین باره آگاهی بیشتری داشته باشند، آرزومندیم مطالبی لطف بفرمایند./

وودبریج، ورجینیا

نصیراحمد رازی

واژه های تصوف

سر و پا برهنه کردن : رسمی بود است که به هنگام عذرخواهی واستغفار سر برهنه می کرده اند. عطار داستانی دارد درباب گربه ای که درخانقاه شیخ ابوالقاسم گرگانی بود و خادم آن گربه را به دلیلی زده بود وگربه بالای درخت ایستاده بود خادم ناگزیر ازاین کار می باید استغفارمی کرد. درپایان همی خادم ز سر دستار بنهاد بر گربه به استغفار استاد نه استغفار او را هیچ اثر بود نه در وی گربه را روی نظر بود به آخرشیخ شدحرفی براخواند

شفاعت کرد وازشاخش فروخواند
وجای دیگر داستانی دارد ازخواجه علی سیرگانی که برای عذرخواهی از سگی «درمقام استغفار بایستاد ودستار برگرفت وگفت توبه کردم.»تذکره الاولیا) واین کار رامستحب می دانسته اند «ومستحب است که چون استغفار کنند سرها برهنه کنندتا به تواضع وشکستگی نزدیکتر گردند. «
ابن جوزی درشما انتقادهایی که برصوفیه دارد واز بدعت های ایشان می شمارد یکی هم همین مسأله سربرهنه کردن به هنگام استغفراست. واینکه سربرهنه کردن خلاف وقاراست، هنوزآثارش در روستاهای خراسان باقی است و ایستادن به عنوان عذرخواهی که صوفیه آنرا برقدم استغفرايستادن می خوانده اند، خاص صوفیه نبوده ودر شعر و ادب فارسی شواهد بسیار دارد در شعر سعدی و حافظ :

عمر نبود آنچه غافل از تو نشستم
باقی عمرایستاده ام به غرامت

(سعدی)

شمع گر زآن لب خندان به سخن لافی زد

پیش عشاق تو شب هابه غرامت برخاست

(حافظ)

چه سنجد : چه وزن واعتبار دارد. حافظ گوید :

زهد من باتو چه سنجد که به یغمای دلم

مست وآشفته به خلوتگه راز آمده ای

گریهٔ حافظ چه سنجد پیش استغناى عشق

کاندرین طوفان نماید هفت دریا شبنمی

محتسب : کسی که متصدی امر حسبه است وحسبه یعنی رسیدگی به وضع یک شهراز لحاظ رعایت یاعدم رعایت اصول ومقررات شرعی، که باید در بازارها واماکن عرفی حاکم باشد. عمل محتسب را احتساب نیزمی گفته اندو دراین باب کتب بسیارنوشته شده. دریغ می آیداگر شعرزیبای پروین اعتصامی را جلوروی شماطالعین گرامی قرار ندهم :

محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت

مست گفت: ای دوست! این پیراهن است، افسار نیست!

گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان میروی

گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

گفت: می باید تو را تا خانهٔ قاضی برم

گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست

گفت: نزدیک است والی را سراى، آنجا شویم

گفت: والی از کجا در خانهٔ خمار نیست؟

گفت: تا داروغه را گویم، در مسجد بخواب

گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان

گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

گفت: از بهر غرامت، جامهات بیرون کنم

گفت: پوسیده ست، جز نقشی ز بود و تار نیست

گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه

گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست

گفت: می بسیار خوردی، زان چنین ببخود شدی

گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست

گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را

گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

(اسرارالتوحید)

حکایتی از ملا نصرالدین

روزی ملا به حمام رفته بود اتفاقاً حاکم شهرهم برای استحمام آمد حاکم برای این که با ملا شوخی کرده باشد رو به او کرد و گفت : ملا قیمت من چقدر است؟ ملا گفت : بیست تومان.

حاکم ناراحت شد و گفت : مردک نادان این که تنها قیمت لنگی حمام من است.ملا هم گفت: منظورم همین بودو الا خودت ارزش نداری!

حکایاتی از فیه ما فیه مولانای بلخ

رسم درویشان

شیخی بود مریدان را استاده(۳)رها کردی، دست بسته در خدمت.گفتند: «ای شیخ، این جماعت را چرا نمی نشانی، که این رسم درویشان نیست. این، عادت امرا و ملوک است.»گفت: «نی، خمش کنید. من می خواهم که ایشان این طریق را معظم دارند تا برخوردار شوند، اگر چه تعظیم در دل است. ولکن اَلظَّاهِرِ عنوانُ الباطن.

۱- حکایت می آورند که حق تعالی می فرماید که ای بنده من، حاجت تو را در حالت دعا و ناله زود برآوردمی، اما در اجابت جهت آن تاخیر می افتد تا بسیار بنالی که آواز و ناله تو مرا خوش می آید. مثلاً، دو گدا بر در شخصی آمدند؛ یکی مطلوب و محبوب است و آن دیگر عظیم مبعوض است. خداوند خانه گوید به غلام که زود، بی تاخیر، به آن مبعوض نان پاره بده تا از در ما زود آواره شود؛ و آن دیگر را که محبوب است وعده دهد که هنوز نان نپخته اند، صبر کن تا نان برسد.

۲- سوال کرد که از نماز فاضلتر چه باشد. یک جواب آنکه گفتیم جان نماز به از نماز، مَع تقریره. جواب دوم که ایمان به از نماز است، زیرا نماز پنج وقت فریضهٔ است و ایمان پیوسته، و نماز به عذری ساقط شود و رخصت تأخیر باشد. و تفضیلی دیگر هست ایمان بر نماز که ایمان به هیچ عذری ساقط نشود و رخصت تأخیر نباشد و ایمان بی نماز منفعت کند، و نماز بی ایمان منفعت نکند همچون نماز منافقان. و نماز در هر دینی نوع دیگر است، و ایمان به هیچ دینی تبدیل نگیرد؛ احوال او و قبله او و غیره متبدل نگردد. و فرقه‌های دیگر هست، به قدر جذب مستمع ظاهر شود. مستمع همچون آرد است پیش خمیر کننده؛ کلام همچون آب است در آرد؛ آن قدر آب ریزد که صلاح اوست.

۳- درد است که آدمی را راهبر است. در هر کاری که هست، تا او را درد آن کار و هوس و عشق آن کار در درون نخیزد، او قصد آن کار نکند و آن کار بی درد او را میسر نشود، خواه دنیا، خواه آخرت، خواه بازرگانی، خواه پادشاهی، خواه علم، خواه نجوم و غیره. تا مریم را درد زه پیدا نشد، قصد آن درخت بخت نکرد که: فاجاه‌ها المخاض الی جذع النخله. او را آن درد به درخت آورد، و درخت خشک میوه دار شد.تن همچون مریم است، و هر یکی عیسی داریم: اگر ما را درد پیدا شود، عیسی ما بزاید؛ و اگر درد نباشد، عیسی، هم از آن راه نهانی که آمد، باز به اصل خود پیوندد، الا ما محروم مانیم و از وی بهره.

صائب تبریزی

پنجه در پنجهٔ تقدیر

هرزه گو را خامش از تقریر کردن مشکل است
شعله را از ژاژخایی سیر کردن مشکل است
وصف آن عارض می‌رس از چشم شرم آلود من
صورت نادیده را تصویر کردن مشکل است
شد ز انگشت اشارت ماه نو پا در رکاب
سینه را آماجگاه تیر کردن مشکل است
کیست زان مژگان گیرا دل تواند پس گرفت؟
پنجه در سر پنجه تقدیر کردن مشکل است
قامت خم مانع عمر سبکرفتار نیست
آب را از موج در زنجیر کردن مشکل است
نیست آسان توبه کردن از شراب لاله رنگ
در جوانی خویشتن را پیر کردن مشکل است
چون نفس در زیر گردون راست سازد دیده ور؟
سر به بالا در ته شمشیر کردن مشکل است
با خسیسان دست در یک کاسه کردن سهل نیست
طعمه بیرون از دهان شیر کردن مشکل است
نیست چون سرو از لباس فقر ما را شکوه ای
رخت بر آزادگان تغییر کردن مشکل است
حسن در هر جلوه سر از روزنی برمی کند
پرتو خورشید را تسخیر کردن مشکل است
عیب من از ساده لوحی های من بی برده شد
موی پنهان در میان شیر کردن مشکل است
بر نمی آید ز صحرای پر آتش نی سوار
گفتگوی عشق را تحریر کردن مشکل است
آه از درد گران بی خواست می خیزد زدل
در کمان سخت حفظ تیر کردن مشکل است
برنیاید روغن از جوزی که بی مغز افتاد
خواب های پوچ را تعبیر کردن مشکل است
صائب از ریگ روان سهل است بردن تشنگی
دیده نادیدگان را سیر کردن مشکل است

مصمم شده اند که دولت بعدی را در بسا موارد به چالش بکشند، گورنر نیو سام از ایالت کالیفورنیا و گورنر خانم هوهیس از اریزونا همین تازه التیماتوم رقم های صادر نموده اند که به هیچ وجه دولت جمهوری خواه نمی تواند در امور کاری و فدرالی شان و شهروندان و اهالی مربوطه شان از بالا جا ها. کسی کوچکترین اقدامی خود سرانه نمی تواند و آنان در دفاع از اتباع شان مصمم و قاطع اند. این در حالی است که کمپنی در فلوریدا فایق ها و کشتی های شش صد نفری را مهیا نموده برای دوره های یکساله الی چهار ساله که اگر او امریکایی های که نمی توانند در زیر حاکمیت ترامپ باشند می توانند به سفر دور دنیا بروند و مخالفان ترامپ که تحمل او را در کاخ سفید و ترمز های انجام شده ندارند به سفر دور دنیا بروند که می روند، حتی گفته شده که فرزند ایلان ماسک هم به این سفر دور دنیا می رود، هر چند که پدرش ایلان ماسک حمایتگر پرو پا قرص دونالد ترامپ است در این دولت جدید هم قرار است که ایلان ماسک وزیر (نو تشکیل وزارت موثریت دولت) شود، ولی فرزند او در مخالفت قرار دارد، این در حالی است که دو دموکرات منجر از حزب قبلی شان با دونالد ترامپ و یا محافظه کاران نوین جمهوری خواهان پیوسته که ترامپ آن دو نفر دموکرات دیروز و (ترامپست) فعلی را در کابینه اش گرفته، البته این موضوعات و تعویض و تغییر قبلا هم بوده، کولین پاول ریس ستاد ارتش به خاطر ترامپ از حزب جمهوری خواه بر آمده بود و هکذا رابرت جونیر کنیدی برادر زاده جان کنیدی فقید ریس جمهور سابق امریکا که دموکرات بود و بعدا کاندیدا مستقل خود را ظاهر و هویدا ساخت و بعدا هم با حمایت دنالد ترامپ پرداخت به همین خاطر است که در این دولت دوم دونالد ترامپ رابرت جونیسور کنیدی وزیر صحت عامه معرفی شده است. و کابینه پیشنهادی او تکمیل گردیده است و هکذا چین بدین نظر است و برای ترامپ پیام داشته که در جنگ اقتصادی برنده ای وجود ندارد . و مکسیکو و چین و کانادا که گفته شده که تعرفه های گمرک کی و تجارتی تازه ای برای این سه کشور های که در بالا یاد شد ترامپ وضع می کند و به خاطر آنان هم مشترکا جواب دادند که جنگ اقتصادی برنده ندارد به هر در بیت جنوری جو بایدن که در ماه بیست نوامبر سال ۱۹۴۲ میلادی تواد شده به حیث پیر ترین ریس جمهور تاریخ امریکا، دفتر ریاست جمهوری کاخ سفید را به دونالد هفتاد و هست ساله وا گذار می کند اما بعد از چهار سال که اگر همه چیز عادی و نورمال پیش برود دونالد ترامپ می شود پیر ترین ریس جمهور تاریخ ایالات متحده، دونالد ترامپ که در چهاردهم جون سال ۱۹۴۲ میلادی تولد گردیده در بیست جنوری سال ۲۰۲۹ میلادی لقب پیر ترین ریس جمهور را از آن خود خواهد کرد. البته قبلا فقید رونالد ریگان لقب پیرترین ریس جمهور را داشت رونالد ریگان که در ششم فیرووری سال ۱۹۱۱ میلادی دیده به جهان گشوده بود در وقت ترک کاخ سفید این لقب پیر ترین را با خود داشت او در وقت ترک کاخ. هفتاد و هشت ساله بود. همان ریگانی که گفته بود که بستن دکمه زیر گلو و یا نکاهی زدن، زمانی خوب است که جلو تیر شدن لقمه حرام را بگیرد حالا می بود که می دید که این پیر کم تدبیر و (اکسپایر) قیصر قصر سفید محکمه نتایهو صدراعظم رژیم اسرائیل را از طرف محکمه کیفری لاهه را غیرقابل قبول می داندواین درحالی است که این حکم صادره را همین باد بایندن برای رهبران کشورهای دیگر راقابل قبول می داند (صدقه شوم خدا را یک بام و دو هوا چه که چند هوارا) . این در حالی است که جستن ترودو صدراعظم جوان و لیبرال کانادا در این ارتباط گفت که (همگی باید از قوانین بین المللی پیروی کنیم) بلی وقتی اقل ۱۲۴ کشور های جهان شامل نقشه هستی، و عضو دیوان بین المللی دادگستری کیفری بین المللی اند موظف و مواظب تعهدات اخلاقی و همگانی خود باشند و شوند تا عدالت واقعی و سر تاسری و همه جانبه. تامین و تضمین گردد و حق طلبی و دادخواهی واقعی و عمومی نهادینه گردد و در همه جا و بر همه کس و سر هر ظالم، به خاطر دفاع از مظلومین فیصله های دادخواهی بین المللی متحقق و عملی به صورت کلی و عمومی باید تطبیق گردد. والسلام

دنباله حکایات از فیه ما فیه

خوبرویی و صورت مصفای حضرت یوسف ع

۴-یوسف مصری را دوستی از سفر رسید. گفت: جهت من چه ارمغان آوردی؟ گفت: چیست که تو را نیست و تو بدان محتاجی؟ الا آن که از تو خوب تر هیچ نیست، آینه آورده‌ام تا هر لحظه روی خود را در وی بنگری. چیست که حق تعالی را نیست و او را بدان احتیاج است؟ پیش حق تعالی دل روشنی می‌باید بردن تا در وی خود را ببیند....ان الله لایظنر الی صورکم ولا الی اعمالکم و انما ینظر الی قلوبکم. /

مشتاق احمد کریم نوری

سانفرانسکو

به سلسله نوشته های این قلم در امید

گویند سلام با اخلاص و مملو از تمکین، طلایی ترین کلید برای ورود به قلبهاست، پس صمیمی ترین سلام تقدیم شما خوبان باد، خداوندا ستاره های آسمانت راسقف خانه های عزیزانم کن، تا زندگی دوستان واقعی وپراخلاصم مثل ستاره ها بدرخشد. به راستی مهربان بودن یک دل بزرگ می خواهد، ولی قدر مهربانی را دانستن، ذات خوب می خواهد، و یک دنیا تمکین و فهم و معرفت و صداقت، و هم باید گفت که از رفتار دیگران نا راحت نشو، آگاه شو و باش، آنها در حال معرفی کردن خود شان هستند، رسانه های سر کاری و وسایل ارتباط جمعی محاذی وشکم پرست وپولدوست و یوتیوبرست های میانخالی و تیکنا کستهای سفله با کارهای آنچنانی شأن به نام رسانه داری کاری خواهند کرد که می‌رس. امروز دیده می شود که به نام گویا (گیم) به کار ها و سخن ها و عریانی گری ها و برهنه گویی های سخیف و پسیف متوسل می شوند که ننگ جامعه و رسانه اند.

من در کتاب های تازه ام چون جلوه های از ژورنالیزم تطبیقی در مسیر مطبوعات افغانستان، وهمچنان در اثردیگر(بارقه های ازروزنامه نگاری و خبرنگاری در سیر ژورنالیزم افغانستان و جهان) روی این موضوعات در چندین فصل های آن بحث و مکث داشته ام، و در اینجا به همین مقدار بسنده می نمایم. امروز که این نوشته را برای ماه بعدی مینویسم مصادف به روز جهانی مردان است روز جهانی international Men’s dayاز مرد، که تنها نر بودن محک نیست بلکه مرد بودن مردماندن ازشاخصه ها ومولفه های این تیجیل وتحلیل است تمکین درمقابل کسانیکه در کشاکش دهرسنگ زیرین آسیا اند و باشد و هستند که: اگر با غیرتی با در دباشی-واگر بی غیرتی نامرد باشی - هر چند امروز در کشور ما حقوق مرد و زن زیر سوال رفته و به گفته ریچارد بنیت نماینده ویژه یونیمادر امور افغانستان.زنها را انسان زدایی نموده راهی اند، و افغانستان کشوریست که باید آپارتاید جنسیتی در آنجا به رسمیت شناخته شود.

روز جهانی مردان معمولا در نزدهم ماه نوامبر ۱۹ برگزار می شود سازمان ملل که بعداز جنگ سردوتغییرات ژرف وشگرف درنقشه هستی، وبه نوحدا کثری در تیجیل و تحلیل ازنسایت هاپرداخته است به همین خاطر که روز جهانی آب است و روز جهانی آبرو است و روز جهانی زن است و روز های مهم جهانی چون روز مادر و همین طور روز جهانی پدر و روز های جهانی دختر و روز جهانی خانواده و روز جهانی معلم و غیره لهذا روز جهانی مرد را هم هسته گزاری نمود هر چند سرنخ آن از سال ۱۹۹۲ میلادی به ابتکار داکتر توماس هستر بر تأییده شده و مسما گردیده، و به مرور زمان عالم گیر و جهان شمول گردید و در سال ۱۹۹۹ میلادی رسما در تقویم مناسبت ها جهانی شامل گردید و منظور از روز جهانی مردان وترکیز راجع به همچو روز حرمت به جنسیت ها و مساوی دانستن حق و حقوق واستحقاق همه مردم، و برملا نمودن نقش مردان که ولی و مدیر خانواده اند و پدر اند، و شوهر اند و برادر اند و پسر اند و همسر اند و همدم اند و همکار اند و همقدم و همسو و همرا و همراز اند روز جهانی مرد از همان زمان که تذکار گردید تا حال در گیتی تحلیل می گردد و از جامعه جهانی خواسته شده که با در نظر داشت مهاجرت ها و منزوی قرار دادنها و خلا کار و اشتغال و دغدغه های معیشتی در جوامع و جهان با کوشش و تلاش و عطش و بینش برای انتقال و نظام آموزشی راست و درست و حرمت و کار و ممارست گردد. و رهنمایی ها و ورکشاپ های رهنمای خانواده و برجسته سازی نقش ولی و مدیر خانواده و محوریت تمکین و تعهد در این قبال ترکیز گردد. بلی از مردان خاطره می ماند و از نامردان تحریه.

امروز هزار روز از شروع جنگ روسیه و اوکراین سپری میشود یعنی از ۲۴ فیرووری ۲۰۲۲ تا به حال، هر چند به نام (عملیات ویژه) از طرف روسیه یاد می شود و در همین روز راکت های ارسال شده امریکا با مجوز جو بایدن توسط اوکراین بر قلمرو خاک روسیه شلیک گردید و استفاده شد و این در حالی است که ولادیمیر پوتین ریس جمهور روسیه هم با تغییرات در دکترین هستوی اش بوجود آورده که موقعیت جیوپلتیک دنیا را وارد فاز فرسایشی تازه ای نموده، موضوع فشار حد اکثری، موقعیت های قاطعانه و منفعلانه در نوسان ساخته، آن چه هم که اجلاس را هم به نام صلح اوکراین. در سویس به راه انداخته اند و این در حالی است که از خود روسیه دعوت نشده، این در حالی این است که دونالد ترامپ مصرف تکمیل نمودن کابینه اش است، و جو بایدن هم به کنفرانس جی بیست برازیل است و قبلا هم اجلاس سران اوپک در لیما مرکز کشور پیرو، بود ولی از اوضاع قسمی بر می آید که تا حدودی خلا زعامت تا بیست جنوری که دولت جدید به قصر سفید مستقر می شود جو بایدن هم فرامین و مجوز های غیر الزامی را صادر نموده روان است، گورنر ها (والی ها) ایالت های که در امریکا دموکرات ها به اریکه قدرت هستند

رابطهٔ طالب با اسلام

از علم عقلانی و عقل تقوایی یاد نمودید؛ امروز پروفیسور ستانیزی تقوا را به حیث ترس از خدا رد نموده آنرا نزدیکی به خداوند میدانند، شما چه تبصره دارید: جناب شان جواب ارزشمند ارائه کردند و تقوا را وسیله ورود به قرآن بیان کردند به گفتار شان خوانندگان به اصل پروگرام سیاست افغانستان مراجعه فرمایند و لذت ببرند. من از ابراز نظریهٔ خود نظر به ضیقی وقت آنچه شنیدم پذیرفتم و بیان داشتم که بعدتر اگر اجازه بود گفتار بیشتر خواهم داشت که میسر نشد.

بفکر من، برای نزدیک بودن به خدا تقوا (منسوب به تقی و آن پرهیزکار و خدا ترس در فرهنگ فارسی عمید تعریف شده) وسیلهٔ ضروریست که همانا پرهیز کاری است و پرهیز کاری شامل پیروی از قرآن کریم و هم سلوکیست که صوفیان دریافت نموده ان و با ذکر لا اله الا الله آغاز میکنند... دریک مرحله جناب آقاسی اظهار داشتند که: □طالب محاربه با قرآن دارد□.

محترم دکتور فخر النساء فیضانی، دربارهٔ طالب که خانم ها را به مسجد اجازهٔ ادای نماز که رکن دوم پنج بنیاد اساسی اسلام است نداده به خانم ها □نجس□ تهمت بسته اند تبصره ای پرمحتوایی داشتند. بفکر من، مشکل طالب اینست که تقریباً پانزده (۱۵) قرن قبل و اوایل اسلام تمرکز دارند؛ وقتیکه پیروان اسلام پاکی را نیم ایمان میدانند هیچ مسلمان ناپاک و نجس بوده نمیتواند و اگر پاک نباشد قرآن را هم لمس نمیتواند. ولی خداوند برای خانم ها از جوانی تا سنین ۴۵–۴۰ سالگی حیض یا عادت ماهوار تعیین نموده که بدون آن هیچ یک از این طالبان حامیان محتسبیزم به دنیا نمی آمدند. عادت ماهوار اسرار خلقت است که خانم ها خود شان نه بلکه خدایشان برای شان تعیین نموده است. خانم های محترم به هر سویه ای تعلیمی و اجتماعی باشند به محدودیت های خود مسؤلانه عمل میکنند. امروز خانم ها که در مسجد میآیند همه پاک و معطر میآیند. این کلمه ای نجس جزء پالسی محتسبیزم طالبی است که در خور تقبیح میباشد.

محترمه داکتر زهرا حسینی تبصرهٔ عالمانه داشت و گفت: طالبان جوانان را از اسلام رانده اند. در پیمان عقبه ای اول (۶۱۲ میلادی سال ۱۲ بعثت) و عقبه دوم یک سال بعد در محل عقبه در نزدیکی مکه معظمه صورت گرفت و در این مجالس بیعت مردم یرثرب یا مدینه زن و مرد وجود داشت که □تاثیر عمیق بر پیشرفت دعوت اسلامی و تغییر مسیر تاریخی در دین گذاشت□. فقط از نام اسلام استفاده میکنند. رسول خدا دختران خود را دوست داشت به احترام شان به پا می ایستاد و دستان شان را میبوسید. کاش بیایند و در بحث های علمی شرکت کنند که اجازه ندارند (و یا توان بحث علمی ندارند و کد هبت الله یک بهانه است). ازآیه نهم سورهٔ الزمر که میفرماید: □بگو آیا برابر میشوند آنانکه میدانند و آنان که نمیدانند...□ یاد نمودند و بیان داشت که خداوند به عالم □رفت□ داده است. بازهم برای تزئید در انش تان به اصل پروگرام مراجعه فرمایید.

جناب حجت الاسلام ذکی حسینی که از استرالیا شرکت نموده بودند صحبت های شان با فصاحت و بلاغتی که دارد شنوده را مجذوب خود میسازد ضمن گفتار عالمانه ای شان از ملکه شیبا یا بلقیس (سورهٔ شماره۲۷ النمل آیات ۴۴–۲۰ یاد کردند که دور و پیش حکمروایی وی را مردان گرفته بودند. در بارهٔ زینت خانم ها از سوره النور آیه ۳۱را ذکر نموده گفتند موضوع که زینت تانرا در نظر گیرید برای مرد ها هم است. حجت الاسلام دوام داده بیان داشتند که بی بی فاطمه زهرا رضی الله عنها در دو انتخاب شرکت نمودند (اشاره به انتخاب ابوبکر صدیق (رض) بعد از رحلت پیامبر و ماجرای غصب فدک یا میراث نبوی) و آنرا رد نمودند و به مسجد هم میرفت. وهم باید خاطر نشان ساخت که قرآن پیامبر را حاکم ذکر نکرده بلکه بشیر و نذیر یاد نموده است.

محترم پروفیسور داکتر ستانیزی از نظام و اینکه خداوند دین ندارد واما بهترین نزد خداوند دین اسلام است اسلام دین خدا نه بلکه دین مردم است سخنانی داشتند. ازینکه (طالبان) دین را برای حفظ قدرت وسیله قرار داده اند و به سیاسیون میگویند به دین ما غرض نگیرید و از حضرت امان ابو حنیفه که در وقت عباسیان به زندان رفتند نیز یاد نمودند. درقسمت تقوا گفتند: تقوا ترس از خدا نیست قربت به خداست. شمارا از خدا میترسانند تا روش خودرا cherry pickگونه تطبیق نمایند.

جناب محترم آقای یارمند سوال کردند: «انگلیس چگونه در جوامع اسلامی داخل شدند.» بفکر من هدف شان اقرار نامه همفر جاسوس انگلیس بود که جواب صحیح نگرفتند. تاسف درینجاست که در هر نشستی که از اقرار همفر یاد میشود استادان متبحر یا جواب نمیگویند و یا اینکه ادعا میدارند نشریه:

Confession of British Spy; British enmity against Islam که در سال ۲۰۲۱ توسط کمپنی وبریتاس یا Omnia

Veritas Ltdتشر شد همه دروغ اند در حالیکه همه پلان های شان برای تخریب اسلام که با محمد بن عبدالوهاب و کتاب □میرآت الحرمين□ در پنج جلد تحت نظر مستر همفر ممکن توسط ایوب صبری پاشا که در سال ۱۱۵۰هجری شمسی مطابق ۱۷۱۳م مذهب وهابیزم را اعلان نمودند (اقرار نامه همفر صفحه دهم). من در باره ای این اثر زیر عنوان □طالب ظالم و تطبیق پروگرام های انگریز□ نوشته ام که با تاسف در آرشیف ها پیدا نیست.

با اصرار باید گفت که اجنت های کامنولت بدبهیست که شرمنده این خیانت شان با مسلمانها و ممالک اسلامی اند. این اثر آقای همفری را □ساختگی و دروغ□ قلمداد نموده برنارد هیکل و حامد الگار و داکتر اردوش را رفرینس میدهند که گفته اند این اثر توسط یک غیر غربی با اهداف سیاسی نوشته شده، جعلی و سند معتبر نمیدانند؛ چت جیبیتی نوشته است که برنارد هیکل (Bernard Haykel)مخصوصا درین باره نقدی ندارد و دونفر دیگری که نقد کرده اند نوشته هایشان را پیدا نکردم . ضمناً، عربستان سعودی در باره وهابیزم حساس بود شهزاده ای جوان سلمان بن محمد بصد فتواء های ان اقدام جدی نموده است و هم نباید فراموش کرد که کامنولت صد هزار اجنت وفادار دارد.

اعمال روزمره ای انگریز ها و متحدین شاهد روش ضد بشری و توطئه های شان به مقابل اسلام است؛ قتل صدام حسین، قتل معمر قذافی، نسل کشی فلسطینیها و تخریب عراق باچورموزیمها وحمله برسوریه، نسل کشی مسلمانها درباسنیا و هرزیگوفینا، خلقت طالب وبپالسی های خشن محتسبیزم که اعمال ضد اسلامی وقرآنی دارند، تکرارتخریبات عراق وطالب درحمله وتخریب سوریه همه شاهد حقیقتگویی همفر است. با معلومات عمیقی که آقای همفر نوشته فقط یک جاسوسی که عملا جزءاین خیانت بودامکان دارد و بس. همه مسلمانان جهان این اقرار نامه را که به زعم من بیان حقایق کامنولت است بدقت بخوانند.

در حدود ۲۹۳ سال پیش از امروز کتاب دیگری از طرف گروه مستحبیزم بنام امارت اسلامی توسط شیخ عبدالحکیم حفانی □Motasibbism□معرفی شد□ در شماره های ۱۱۲۳،۱۱۲۲، و۱۱۲۴ که در ماه ای سپتمبر، اکتوبر و نوامبر ۲۰۲۴ در امید هفته نامه وزین مردم افغانستان نشر شد و به آسانی از آرشیف خراسان زمین چیدا میتواند) رئیس دادگاه عالی امارت اسلامی و تاییدیه امیرالمومنین شیخ مولاناهبت الله آخندزاده و ترجمه دکتر محمدصالح صالح (استاد سابق دانشکده، شرعیات دانشگاه بلخ) در پائیز ۱۴۰۱ خورشیدی مطابق ماه نومبر ۲۰۲۲ توسط انتشارات شاهمامه، هالند نشر شد تا مرحله اخر استراتیژی وزارت کامنولت انگلیس تطبیق شود.

بعد از اعلان اینکه □ثبت توقف یافت□ در ضمن سوال و جواب از اخلاق نامبرده شد. چون من درین باره زیر عنوان □آیا اخلاق ناپدید میشود□ که در شماره ۱۰۴۰ و پنجم قوس ۱۳۹۶ش و ۲۶ نوامبر ۲۰۱۷ نشر شد و اغازش چنین بود: □مردم آنچه در امریکا میگذرد ناراحت اند. شاربدگی اخلاق در هر کنج و کنار زندگی تا به حالت تهوع نمایان است□ و به دوام نوشته ام: دانشمندان یونان قدیم، پروفیسوران تدریس و تحقیق، ادیان یهودی، مسیحیت و اسلام همه پیروان خود را درس اخلاق میدهند. بودیزم، هندویزم، و دیگر جوامع و کشیش های مذهبی میکوشند پیروانش را بصوب یک زندگی اخلاقی رهنما شوند. دفاتر دولتی، ملل متحد، کورپوریشن های بزرگ، شفاخانه ها، قصر سفید امریکا، و کانگرس همه کمیته های اخلاقی با بودجه ای هنگفت در تشکیلات خود دارند. دانشگاه ها که پروگرام تحقیقاتی دارند باید با IRB یا Institutional Review Board که نظارت اخلاق ریسرچ دارد همراه با کمیته ای اخلاق به تحقیق خود دوام دهند (داکتر غلام محمد دستگیر، شناسایی با اخلاق طبابت، فصل اخلاق ریسرچ، صفحه ۱۹۶–۲۴۶ ناشر شرکت کتاب ۲۰۱۸). هدف اینست تا ریسرچ ها (با مقالات و نوشته ها) عالمانه انجام یافته صادقانه راپور داده شود.

هزاران صفحه وحجم های ضخیم در باره ای اخلاق و قوانین مربوطه ای ان یکی بعد دیگر از چاپ بیرون و بر زیب کتابخانه ها میافزایند. سوال درینجاست که اخلاق سقراط، اخلاق افلاطون، اخلاق ارسطو، که بحث ها و تحلیل ها نوشته شده است، چه نتیجه داده است؟ با اخلاق ایمانویل کانت چگونه برخورد شده است؟ اخلاقیکه قرآن، تورات، زبور و انجیل تدریس نموده است کجاست؟

جواب درینجاست که همه جملات زیبا و تحلیل دورو دراز در نوشته و قفله ها در گفتار در باره ای اخلاقیات فوق چرا بر مردم موثر نیفتاد؟ آنهائیکه زیر نام پروفیسور تدریس اخلاق دارند و یا گرداننده های کمیته ای اخلاق و IRBاند و پول و وقت صرف نموده اند چرا برای به میان آوردن یک محیط اخلاقی در همه جوامع مذهبی و کشوری موفق نشده اند؟

این چه نوع اخلاق است که طالب، چلی ملا مولوی و مولانا در پیش گرفته است؟ چه اخلاق است که طالب از الله اکبر در قتل های محاکم صحرائی خود صدا میزنند؟ کجا شد روش طالب از □اسوه حسنه□؟ قرآن که محتسبیزم تدریس نکرده چرا امر معروف و نهی منکر محتسبیزم شد؟ این چه اخلاق است که اسرائیل در برابر مردم فلسطین و کشتار تقریبا پنجاه هزار اطفال و خانم و پیر و جوان معصوم در پیشگرفته و با این عمل منفور شان بازهم خوشحالی و پایکوبی دارند؟ ایا این ها مثل طالبان بر تدریسات دینی که خاخام هایشان میگویند پای نمیگذارند؟

اخلاق طبابت (در افغانستان)، اخلاق در سیاست (امریکا، انگلیس، روسیه و فرانسه...)، اخلاق در کانگرس ها، اخلاق در پیروی از نورم های اکادمیک، اخلاق در تجارت، اخلاق در ملل متحد، اخلاق در پخش مطبوعات همه رو به نزول است و انهائیکه اخلاق حرفه و کورپوریشن خود را مراعت نه نموده و حرص پول سازی دارند دیگر مقبول جامعه قرن بیست ویک نیستند؛ شما حادثه روز چهارم دسامبر ۲۰۲۴ قتل امرعمومی یا CEOبیمه صحی یونایتید هیلث را بخاطر دارید که به قیمت جانش تمام شد و جوانی بنام Luigi Mangioneمتهم به قتل وی است. روش های بد اخلاقی این آمراداری نه طبی مقتول بر قدسیت مسلک طبابت و خدمات بشر دوستانه دوکتوران و معاونین شان، و نرسها که خدام صادق بشر بوده تبعیض سرحد و دین و نژاد ندارد لطمه وارد کرده مردم را متهییج ساخته است.

سوال های زیاد در مقاله ای آیا □اخلاق ناپدید میشود، به فارسی در امید و انگلیسی در سایت خراسان زمین□ طرح شده است نشان میدهد که اخلاق رو به تنزل است و بد اخلاقی (به هرمعنی که تعبیر شود) مانند شعله های آتش در یک ساحه وسیع اجتماع دامنه میزند.

بهر صورت، خداکند که مردمان با اخلاق که با تاسف تعداد شان کم شده میرود میرا ازین تنزل بود با صداقت و سر فرازی به خدمات خود به انسان ها و بشریت شب و روز ساعی اند با وجود فشار ها دوام دهند و برای نجات □اخلاق□ به مبارزه دوام دهند. بگوئید چند نفر اینها شناخته شده و قدر شناسی از خدمات شان صورت گرفته. ولی چون توطئه گران و اجنت های کامنولت و متحدین به مراتب زیاد است و از پرنسیپ تگ و تگمار استفاده میکنند نمیگذارند که از این نماینده های اخلاق که در اجتماع مطبوعات و انجمن ها محدود هستند شناخت و قدر شناسی به عمل آید به عوض هر روز به توطئه ها و بد نامی ایشان مصروف اند که قرار گفته شاه امان الله قفید □سنگ ره شوند□.

آرزومندم که «اخلاق ضمیری فردی» به همه سویه و طبقات ریشه دوانیده همه دارای اخلاق عالی گردند ورنه تباهی در انتظار همه ای ماست. و من الله التوفیق /

تازیانهٔ بهرام

چو آن باز بایم بیایم برت
به زودی رسانم سوی لشکرت
بهرام این بگفت و روانهٔ قلب سپاه شد.
تازیانهٔ خودش را دید که خون آلود و پرازخاک درمیان کشتگان وزخمیان افتاده است.
از اسپ پیاده شد وسوی تازیانه رفت،
درهمین حال صدای شیههٔ اسپ ها از دور وبر برخاست،
صدای مادبانی به گوش اسپ بهرام رسید واسپ بی اختیار به سمت صداگام برداشت
بهرام ناراحت شد وبه دویدن به دنیال اسپ تاخت تابه زحمت گیرش آورده برپشت آن نشست و شمشیرهندی بدست گرفت تا اگرمانعی پیش رو آید شجاعانه به مقابله برخیزد.
ولی اسپ از جا تکان نمی خورد.
بهرام بسیار کوشید که آن را به راه اندازد ،
اما فایده نداشت.
ازعصبانیت بسیار شمشیرش را برسر اسپ فرود آورد وخود با سرعت پای پیاده راه افتاد. /^(دنباله دارد)

افغانستان در گرداب تغییر اقلیم ...

با ایجابات مقابله با اثرات تغییر اقلیم سازگار شود تا اثرات ناگوار آن به حداقل کاهش یابد و به مردم در این راستا آگاهی لازم داده شود.

تغییر اقلیم اجتناب‌ناپذیر است و همه ما مکلفیم تا برای نجات از عواقب ناگوار آن تلاش کنیم. مهم‌ترین و عاجل‌ترین ماموریت ما ایجاد حکومتی است که به این مسایل اولویت دهد و مانع آماده‌گی و تجهیز فنی و علمی مردم برای مبارزه در برابر بحران‌ها نشود. /

جنگ تصرف

این خواسته را به وجه بهتربرآورده ساخته می تواند اما پریزدنت ترمپ می خواهد تجارت آزاد را به تجارت منصفانه مبدل سازد ،مشار الیه اصرار می ورزد که حرکات تجارتنی بعضی معامله داران بلاخص چین غیر منصفانه می باشد و از معامله داران تجارتنی خود سوء استفاده می کند و امریکا در حصهٔ خود باید آنرا مهار کند /۰

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

ژورنالیستها و فوتوژورنالیستهای رسانه های جهانی نیز اجازه داخل شدن و فعالیت آزاد را در غزه نمیدهد و تنها ژورنالیست هاییکه اسرائیل خودمیکشود اجازه میدهد و آنها تنها از جاهایی دیدن میکنند که اسرائیل به آنها اجازه میدهد و اکثر باید همراه با عساکر اسرائیل باشند. راپورها، عکسها و ویدیوهای این ژورنالیستها متواترسانسور میشوند و اگر ژورنالیستی در ساحت غیر تعیین شده برود، عساکر اسرائیل بر آنها شلیک میکنند که تعداد زیادی از ژورنالیستها را اسرائیل به قتل رسانده که رقم آنها بیش از ۱۳۷ می رسد. به همین ترتیب عدد از دفاتر خبری که دلخواه اسرائیل نیستند در غزه و سواحل غربی فلسطین جبراً مسدود شده و پرسونل آنها را اسرائیل اخراج نموده، بطور مثال میتوان از تلویزیون الجزیره نام برد. تحلیلگران و نهادهای مطبوعاتی جهان به این عقیده اند که از جنایات جنگی و جنایات بشری اسرائیل در نوار غزه و سواحل غربی فلسطین کمتر از ده فیصد آن به اطلاع جهانیان می رسد و بیشتر از نود فیصد آنها بنابر تعزیرات و مشکلاتی که اسرائیل برای ژورنالیستها و خبرنگاران وضع نموده است، به آگاهی مردم نمی رسد.

طالبان و قتل های بی باز پرس

عرصه های آموزشی از شرق تا غرب کشور و از جنوب تا شمال آن از اهداف بالقوه طالبان هستند و استخبارات این گروه پیوسته در پی پرونده سازی برای آنان است تا فعالیت های شان را محدود و نهایتاً مسدود بسازد. همین اکنون شماری از شهروندان صرفاً به همین علت در حبس قرار دارند. دامنه دستگیری ها شامل استادان دانشگاه ها، ملاهای مساجد و سخنوران عمومی نیز می شود. در تمام مساجد و مراکز آموزشی جاسوسان استخبارات طالبان حضور دارند و هر کدام از این گروه های اجتماعی که سخنی خلاف میل طالبان ابراز کند یا فعالیتی در شبکه های اجتماعی داشته باشد که مورد پسند طالبان نباشد، به زودی از سوی سازمان استخبارات طالبان مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته و هر کس که از هشدارها تخطی کند، مورد مجازات قرار می گیرد.

برای مقابله با هر گونه مخالفت و چالش، طالبان دو شیوه اساسی را در پیش گرفته و به شکل سیستماتیک دنبال می کنند؛ یکی تنگ کردن فضا و تحمیل اختناق به گونه ای که فعالان سیاسی و اجتماعی ناچار به ترک کشور شوند. موج مهاجرتی که پس از سقوط جمهوریت به راه افتاد و به چند میلیون نفر رسید، بخشی از آن محصول سیاست آگاهانه و برنامه ریزی شده طالبان بود تا داخل کشور به تخلیه حداکثری از هر گونه مقاومت مدنی بالقوه مواجه شود و مهندسی کشور در ابعاد دموگرافیک، سوسیولوژیک و ایدیولوژیک میسر گردد. دوم، برای کسانی که به هر دلیلی در کشور می مانند، اما در خط سیاست طالبانی حرکت نمی کنند، دستگیری، مجازات، شکنجه و نهایتاً قتل در نظر گرفته می شود. برای این که هزینه این کار برای طالبان بالا نرود، لازم است تا افکار عمومی در داخل و خارج کشور از آن بی خبر بمانند. از این رو رسانه های آزاد زیر فشار شدید سانسور قرار گرفته اند و حق ندارند آن را گزارش داده و یا در پی تهیه گزارش از آن ها باشند. نبود نهادهای فعال برای تهیه آمار از شمار دستگیری ها، شکنجه ها، قتل ها و ممنوعیت هر گونه فعالیت در این زمینه سبب شده است که هزاران شهروند افغانستان در این چند سال بدون هیچ سروصدایی دستگیر شده و شکنجه شوند. از آن بدتر این که پیوسته جسد های بی جان قربانیان در گوشه و کنار شهرها یا بندهای آب و رودخانه ها پیدا شود و شماری نیز برای همیشه مفقود الاثر شده و هیچ رد پایی از آنان باقی نماند.

بهترین پوششی که طالبان برای تمام این اعمال پیدا کرده و توانسته اند با آن به فریب افکار عمومی در داخل و خارج بپردازد، مبارزه با داعش بوده است. از این جهت فعالیت های داعش از سوی دستگاه های طالبان همیشه بزرگ نمایی شده و بدون این که مستندات معتبری در دسترس باشد، بسیاری از مخالفان طالبان زیر این نام دستگیر و مجازات شده و شماری از آنان به قتل رسیده اند. داستان زنجیره دار قتل و کشتار در افغانستان ادامه دارد، هر چند شکل و شمایلش تفاوت کرده است. (سرمقاله روزنامه ۸ صبح کابل)

و شکرانه خداوند را مینمایند که چه معجزه است، دخترک شناخته میشود که جنه نام دارد، پدر و مادر وهمه اعضای خانواده اش کشته شده وزن سرسفیدی از اهل محله که همه بستگانش را اسرائیل کشته خودش چون جنه تنها و بیگس مانده، حاضر میشود که او را بپذیرد تا مونس تنهایی اش باشد. این خانم گفت: قسمت پایینی بدن جنه فلج است و او بی پای گریه میکند و در میان گریه ها امی، ابی، صدامیزند و پدر و مادرش رامی پالد. نیمه های شب تکان میخورد و گریه و ناله سر میدهد من هم با او یکجا گریه میکنم، هر دو دردمشترک داریم، مراد پیری بیگس ساختند و او را در طفولیت از بخاطر بیگسی خود می گرید و بمن بخاطر بیگسی هر دو می مان!

در گزارش دیگری از طفل نوزادی یاد آوری شده که او هم یک دختر است و معلوم نیست تولدش به چه شکلی صورت گرفته و مادرش در کجاست. او در خرابه محله مربوط شهر غزه که اسرائیل آن را بیرحمی شیهه بیرحمی حیوانات درنده بمباران کرده، پیدا شد. شواهد طبی نشان میدهد که این طفل قبل از زایمان موعود تولدش بدنیا آمده و سه هفته عمر دارد و چهار روز بعد از بمباران شهر بدست آمده و اکنون در شفاخانه العمارتی زندگی مینماید. نرسهاو کارمندان شفاخانه او را مجهوله میگویند چون نمی دانند پدر و مادرش کجایند، اما گفته اند که اطفال آغشته به خون و زخمی را بدون پدر و مادر یا اقارب می آرند و حتی معلوم نیست از کدام شهر و محله اند، همه جا جنگ و بمباران، ویرانی و ماتم و آوارگی است و در این ظلم اسرائیل اطفال بیشتر آسیب پذیراند، و صدهاتن ایشان که اکثر دست یابی شان قطع شده و زخم ها و سوختگی هادربدن دارند در کج و کنار شفاخانه افتیده و بعضاً از زخمهای شان مکروبی شده و مسلسل پدر و مادرشان را صدامیزنند، گریه و ناله میکنند. عدد از آنان به اندازه توسط صدای انفجار بمب ها و غرش بمب افکنهای اسرائیل صدمه روحی برداشته اند که از حرف زدن مانده باغم و اندوه و نفرت و ندامت به مردم مینگرند، که معلوم نیست آینده آنان چه میشود.

کارمندان صحنی میگویند خیلی سخت دردناکترینست که اطفال زخمی به شفاخانه آورده میشوند که صدمات جبران ناپذیری دید که بجز قطع کردن راه دیگری نیست. شفاخانه هانسیب محاصره اسرائیل ادویه بیهوشی و مسکن ندارند و اکثر عملیات بدون استفاده از استیژی صورت میگردد که هم انجام آن وهم دیدن آن برای ما سخت دردناک و طاقت فرساست. فغان و ناله اطفال معصوم در حین عملیات به کهکشان ها بلند می شود.

در اوایل حمله اسرائیل برخی اطفال را که به شکل خیلی خراب در بمبارانها زخمی شده بودند، و چاره برایشان در شفاخانه های غزه نبود، کشورهای اروپا و عربی و آسیایی برای تداوی از غزه بیرون برده تداوی مینمودند، ولی اکنون اسرائیل متوجه شده که رفتن این اطفال زخمی به آنکشورها مردم جهان را متوجه جنایات اسرائیل میسازد و جهانیان به سر و چشم می بینند که اسرائیل چه ظلم و جنایاتی را بر مردم فلسطین آورده، به جنایت و ددمنشی اسرائیل پی می برند، بهمه دلیل است که سیلی از انزجار و نفرت عامه در جهان حتی در امریکا در برابر دولت اسرائیل ایجاد شده است. روی همین ملحوظ اکنون اسرائیل خروج اطفال یتیم و زخمی را از غزه به کشورهای دیگر اجازه نمی دهد.

در اینجا لیان ابوالعطا دخترک ۱۳ ساله صحبت مینمایم که در اثر بمباران اسرائیل نه تنها پدر، برادر و خواهرش را از دست داده و خانه و کاشانه شان ب خاک برابر شده و فعلاً زیر خیمه بی بامادر و خواهر کوچکش زندگی مینماید. وقتی اسرائیل بمب دوهزارتنی را بر محله شان انداخت، لیان شدیداً زخمی شد و بخش سفلی نیمه رویش بکلی از بین رفته دندانها، الاشه و فک سفلی او به جهت راست رویش بکلی وجود ندارد، داخل دهنش الی قسمتهای داخلی گلوش در عکس ها و ویدیوها به وضاحت دیده میشود. دکتران میگویند در داخل غزه امکان تداوی و وجود ندارد و کشوری حاضر شده او را از غزه انتقال و تداوی نماید. دکتر معالج او میگوید بخاطر اینکه قسمت بالای دهن به قسمت پایین نجسید و راه تنفس را مسدود نسازد، پارچه فلزی را بطور موقت انداخته ایم ولی وقتاً فوقتاً التهایی میشود و احتمالاً وضع صحنی لیان را بدتر سازد. دکتر گفت چهار شفاخانه در چهار کشور مختلف حاضرند لیان را تداوی و جراحی پلاستیکی کنند ولی اسرائیل که در غزه حاکم شده اجازه انتقال اورا نمی دهد و پیشنهاد هر چهار شفاخانه را رد کرده است.

این پنجمین بار است که شفاخانه های مختلف در کشورهای مختلف پیشنهاد انتقال لیان را برای تداوی عرضه کرده اند ولی مقامات اسرائیل همه را رد کرده و اجازه خروج لیان را از غزه نمیدهد. حتی این شفاخانه ها حاضر اند که جراحان خود را برای تداوی لیان بداخل غزه بفرستند ولی اسرائیل اجازه نمی دهد. دکتران معالج میگویند این عمل اسرائیل یک عمل غیر انسانی است و جان یک دخترک را قصداً به مخاطره انداختن است.

بر علاوه اینکه اسرائیل انتقال زخمی های بمباران را به خارج غزه نمیدهد، برای کتمان جنایاتش از انظار جهانیان برای

یتیم سازی ...

صحنه های ویرانی شهرها و آبادیها، سقوط در و دیوار منازل، تلاش جانفرسای فلسطینی های آواره برای نجات جان و اولادشان از ظلم و استبداد عساکر اسرائیل، چهره های عبوس و چشمان خون آشام عساکر اسرائیل که بیرحمانه هر کی رامیخواهند بیه هرنوعی که دل شان میشود نقش زمین می نمایند، اجساد پاره پاره مردان و زنان و اطفال فلسطین، حتی اجساد بیخون غلتیده حیوانات، زبانه شعله های آتش از لابلای خانه و کاشانه آنان، خاطراتی اند که بجای بازبهای طفلانه و جست و خیز مستانه دوره طفولیت و کودکی در اذهان و قلوب کوچک این اطفال یتیم در پهلوی درد یتیمی و بیگسی برای ابد حک شده و باقی می ماند.

اسرائیل با چنین وحشت و جنایت نه تنها کودکان را یتیم و بینوا کرد بلکه حیات آینده آنها را نیز تیره و تار ساخته و به آن غم و ماتمی آنها را نشانده که هرگز پایانی ندارد. این کودکان یتیم تا اخیر عمر به درد یتیمی و بینوایی میسوزند و میسازند و تجارت تلخ روحی و روانی آنها در زندگی شان و نشو و نما ی آنها، در طرز تفکر، انکشاف دماغی و آموزشی شان تاثیرات منفی برگشت ناپذیری بجای میگذارد که جنایت عظیم و نابخشودنی اسرائیل برای نسلها در فلسطین می باشد. گزارشات از غزه داستانهای غم انگیز و تکان دهنده را از ظلم و استبداد اسرائیل بر کودکان فلسطین بیان میدارند. نیویارک تایمز در گزارشی از خان یونس نگاشت که کسی پناهگاه خیریه برای اطفال فلسطینی که اسرائیل آنها را یتیم ساخته، تهیه دیده که در آن بیش از یک هزار یتیم راجمع نمود که همه شان اعضای فامیل خود را از دست داده اند و کسی نمیداند که پدر و مادر اینها کی و به کدام فامیل تعلق دارند. اکثریت اینها در بمباران اسرائیل معیوب شده. یکی بی پای است و دیگری بی دست و برخی چشم خود را از دست داد و عدد داغهای سوختگی در بدن دارند. گرداننده این پناهگاه میگوید این کودکان که در سنین سه الی ۱۳ سال اند، اصلاً نمیدانند چه واقع شده و چه میگردد. گاه واقع میشود این اطفال را از یک خیمه به خیمه دیگر و از یکجا بجای دیگر انتقال دهد تا از بمباران و آتش توپخانه در امان باشند. او میگوید این اطفال از زیر خرابه های منازل از کنار جاده ها و دهلیز شفاخانه ها جمع آوری کرده ام و هر یک آنها متواتر از من می پرسند که مادر و با به چه وقت می آیند و بایان کود کانه از برادر و خواهر واقاری که در خاطره دارند می پرسند که چرانی آیند. من برای دلخوشی شان میگویم فردا می آیند و پس فردا می آیند.

محمد، محمود، احمد و عبدالله چهار برادری اند که والدین شان در بمباران اسرائیل برخانه شان کشته شده و تنها عبدالله که برادر کلان است اجساد پاره پدر و مادرش را دیده، آنها هر لحظه پدر و مادر میگویند و گریه و زاری مینمایند و حتی از غم پدر و مادر غذا نمیخورند. محمود که ۹ ساله است هنگام غروب آفتاب وقتی اذان شام شنیده میشود از جای خود بلند میشود و میگوید من آواز مادرم رامی شنوم که نماز میخواند. Jonathan Cricks سخنگوی ملل متحد در امور اطفال میگوید: در هیچ جنگی در تاریخ به این حد بمباران، کشتار کودکان، آواره شدن مردم و ویرانی خانه و کاشانه آنها در محوطه کوچکی چون غزه دیده نشده است. کارشناسان ملل متحد به این نتیجه رسیده اند که عملیات جنگی اسرائیل و بمباران هوایی آن در غزه، بلندترین آمار معیوبیت اطفال را بوجود آورده که در تاریخ هرگز دیده نشده است. در اینجا از گزارش نیویارک تایمز از دخترک یازده ماهه یاد آور می شویم که اهل قسمت شمالی غزه است و اسرائیل با پرتاب بمب دوهزارتن بر محله شان ۱۹ عضو فامیل او به شمول مادر و پدر و خواهران و برادران و اقارب نزدیکش را به قتل رساند و خانه شان را بکلی منهدم کرد. شدت بمباران به حدی بود که تنها توتها ها و پارچه های بدن آنها پیدا شد ولی شناخته نشد که کدام پارچه از کدام بدن بود. همه را در قبرستان دستجمعی دفن کردند.

ده روز بعد وقتی بمباران خاتمه یافت و محله به ویرانه تبدیل شده بود ساکنین که از بمباران جان به سلامت برده بودند برای یافتن توتها و پارچه بدن خویشان شان برگشتند و لابلای تخته های شکسته و ازهم ریخته کانکریت رامی پالیدند ناگهان نظرشان به تخته بزرگی از کانکریت شکسته افتاد که در حاشیه آن جسد طفلی بود و همه بادستهای برهنه به سختی زیاد پارچه کانکریت را دور کردند و جسد طفل را که گرد و غبار آنرا پوشانده بود برداشتند و چون آثار حیات در او دیده نمی شد کفن پیچ کرده در مرده خانه در میان دیگر اجساد گذاشتند تا بمباران تسکین شود و جنازه ها را دفن نمایند.

کسی از کنار آن مرده خانه می گذرد و صدای ناله و زجه باریک ضعیف طفلی را می شنود خود را به آن می رساند کفن را باز می نماید که دخترک کوچک که از شدت درد می سوزد ولی از ضعیف وجود صدایش بلند نمی شود. سرو صداها بلند می شود

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 33, Issue No. 9, DECEMBER 21, 2024, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۶ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱) mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

حکیم ناصر خسرو بلخی

عقاب مغرور

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست و اندر طلب طعمه پرو بال بیاراست بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت امروز همه روی جهان زیر پرماست بر اوج جو پرواز کنیم از نظر تیز می بینم اگر ذره ای اندر تک در ریاست گر بر سر خاشاک یکی پشه بجنبند جنیندن آن پشه عیان در نظرماست بسیار منی کرد وز تقدیر نترسید بنگر که ازین چرخ جفاییشه چه برخواست ناگه ز کمینگاه یکی سخت کمائی تیری ز قضای بد بگشاد بر او راست بر بال عقاب آمد آن تیر جگر دوز وز ابر مر او را به سوی خاک فرو کاست بر خاک بیفتاد و بغلتید جوماهی وانگاه پر خویش گشاد از چپ واز راست گفتا عجب است این که ز چوبی وز آهن این تیزی وتندی و پریدن ز کجا خاست؟

یک تیر و دو نشان

جدا از این که انگیزه‌ی رهبر طالبان تا چه حد بازگرداندن اموال نظامی به «بیت المال» است، او در طی دو سال گذشته تلاش‌های زیادی برای افزایش قدرت خود در ساختارهای وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست استخبارات این گروه انجام داده است.

ملا هبت‌الله آخوندزاده با فرماندهان قول‌اردها در قندهار دیدار کرده و همچنین از قول‌اردهای قندهار، هلمند، هرات و قول‌اردهای ولایت‌های شمالی بازدید کرده است. ناظران بر اوضاع امنیتی افغانستان معتقد هستند که ملا هبت‌الله آخوندزاده با صدور این فرمان که صلاحیت‌های وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست استخبارات را محدود می‌کند، به دنبال تقویت نقش خود در روند توزیع سلاح و جمع‌آوری آن بوده است.

پس از فروپاشی حکومت افغانستان در آگست سال ۲۰۲۱، بخشی از تسلیحات نیروهای نظامی ناپدید شده و برخی از این تسلیحات به گروه‌های تروریستی در پاکستان و کشمیر تحت کنترل هند منتقل شده است. برخی از مقام‌های طالبان نیز در قاجاق و ناپدید شدن تسلیحات نظامی حکومت پیشین متهم شده‌اند. منابع به اطلاعات روز گفته‌اند که تسلیحات نظامیان پیشین به پاکستان قاجاق شده و از آن‌جا به خریداران مختلف توزیع می‌شود.

اداره‌ی بازرس ویژه‌ی امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) در نوامبر ۲۰۲۲ اعلام کرده بود که تسلیحات نظامی به ارزش بیش از مبلغ ۷,۱۲ میلیارد دلار در اختیار طالبان قرار گرفته است.

وزارت دفاع امریکا یا پنتاگون اعلام کرده است که از سال ۲۰۰۵ تا آگست سال ۲۰۲۱ در مجموع مبلغ ۱۸,۶ میلیارد دالر تجهیزات به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان کمک کرده است.

این تجهیزات شامل هواپیمای جنگی، موتورها، نظامی،



سلاح، تجهیزات ارتباطی و سایر ابزارهای نظامی است، اما مشخص نیست که طالبان چه میزان از این تسلیحات را در اختیار دارند.

حاجی یوسف وفا، یکی از افراد نزدیک به رهبر طالبان / طراحی عکس: اطلاعات روز

فرمان برای مصادره‌ی تسلیحات

ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان در تابستان سال گذشته فرمانی برای ثبت تسلیحات و موتورها، نظامی صادر کرد و این روند را برای نشان دادن جدیت خود، از ولایت قندهار، محل اقامتش آغاز کرد؛ اما جزئیات ثبت تسلیحات و موتورها، نظامی فاش نشده. این نخستین گام رهبر طالبان برای کنترل تسلیحات نظامی به‌جامانده از حکومت پیشین افغانستان بود. در ماه حوت سال گذشته نیز رهبر طالبان دستور داده بود که کمیسیون تثبیت و جمع‌آوری تسلیحات نظامی در هر ولایت تشکیل شود و پس از ثبت تسلیحات، بخشی از آن‌ها جمع‌آوری گردد.

این کمیسیون به «دلگی‌مشر» (های طالبان مراجعه کرده و تجهیزات را در فهرست خود درج می‌کرد تا بخشی از این تسلیحات به انبارهای طالبان بازگردد.

پس از نگرانی‌ها در مورد ناپدید شدن تسلیحات نظامی، رهبر طالبان در ۲۹ میزان طی فرمانی دستور داد که بدون اجازه‌ی او در قندهار هیچ کس نمی‌تواند تجهیزات نظامی ثبت‌شده‌ی وزارت‌های دفاع، داخله، ریاست استخبارات و دیگر نهادها را توزیع یا استفاده کند.

با صدور این فرمان، رهبر طالبان صلاحیت‌های ملا یعقوب، وزیر دفاع، سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله، عبدالحق وثیق، رئیس اداره‌ی استخبارات این گروه را در راستای توزیع و استفاده از تجهیزات نظامی سلب کرده است. سراج‌الدین حقانی که در میان طالبان با لقب «خلیفه» مشهور است، یکی از رقبای جدی رهبر طالبان است. یک منبع به اطلاعات روز گفت که رهبر طالبان حکم محدودیت در توزیع سلاح و مهمات را پس از آن صادر کرد که شبکه حقانی در شرق کشور به افرادی که از نظر رهبر طالبان «غیرمستول» پنداشته می‌شدند، سلاح توزیع کرده بود.

در ماده‌ی نخست حکم رهبر طالبان در مورد توزیع سلاح آمده است که هیچ کس نمی‌تواند بدون اجازه‌ی او، اسلحه، مهمات، دوربین‌ها، مخابره‌ها و سایر وسایل نظامی ثبت‌شده در انبارهای وزارت‌های دفاع و داخله، ریاست عمومی استخبارات و دیگر ادارات مستقل را توزیع کند یا دستور توزیع آن را صادر نماید.

در فقره‌ی دوم این ماده ذکر شده است که هرگاه یک اداره‌ی طالبان نیاز به توزیع اسلحه، مهمات و سایر تجهیزات نظامی داشت، موظف است که این نیازمندی را به او پیشنهاد کند و دستور وی را برای آن دریافت کند.

هبت‌الله آخوندزاده در ماده‌ی دوم این حکم، وزارت‌های دفاع و داخله، ریاست استخبارات و سایر ادارات طالبان را موظف کرده است که مطابق درخواست بخش «تثبیت، ثبت و مراقبت بیت‌المال» (دفتر او، فهرست تجهیزات و وسایل نظامی نیروهای مسلح و غیرمسلح این گروه را به این بخش تحویل دهند.

او همچنین دستور داده است که تمامی تجهیزات و وسایل نظامی که تا اکنون توسط بخش تثبیت، ثبت و مراقبت بیت‌المال دفتر او در انبارهای وزارت‌های دفاع و داخله، ریاست عمومی استخبارات و سایر ادارات طالبان ثبت شده و بدون اجازه‌اش در جریان ثبت یا پس از آن توزیع شده‌اند، دوباره جمع‌آوری و به انبارها منتقل شوند.

رهبر طالبان گفته است که توزیع وسایل و تجهیزات نظامی باید در حضور نماینده‌ی بخش تثبیت، ثبت و مراقبت بیت‌المال دفتر او انجام گیرد. همچنین او افزوده است که حضور نماینده‌ی این بخش از دفترش هنگام توزیع تجهیزات نظامی و در هنگام قفل کردن و گشودن قفل انبار ضروری است. در صورتی که این نماینده حضور نداشته باشد، فرد معتمد در محل باید با این بخش از دفترش تماس بگیرد و «سر به خود» اجازه‌ی گشودن قفل را نداشته باشد.

حمدالله فطرت، معاون سخن‌گوی حکومت طالبان ادعا کرده است که هدف از این فرمان رهبر طالبان مراقبت از تجهیزات نظامی است. او گفت که این فرمان مانع استفاده‌ی غیر ضروری از برخی از تجهیزات و تسلیحات می‌شود و باعث خواهد شد که این تجهیزات به‌صورت منظم‌تر ترمیم شوند.

طالبان و قتل‌های بی‌بازپرسی در افغانستان

مهم‌ترین ادعای طالبان که با آن بر مردم افغانستان و بلکه بر جامعه جهانی منت می‌گذارند و همه را وامدار خود می‌انگارند، اعاده امنیتی است که در اثر عملیات انتحاری و اقدامات خشونت زای این گروه از میان رفته بود. ترجیح‌بند تبلیغات طالبان گسترش امنیت به سرتاسر کشور و امکان مسافرت بدون خطر از یک گوشه به گوشه دیگر آن است؛ چیزی که در هر کشور دیگر امری عادی است، اما در اثر فعالیت‌های خونین طالبان رخت بر بسته بود و زنده‌گی را بر مردم جهنم کرده بود. اکنون مطابق تبلیغات رسمی این گروه همه‌جا آرام شده و همه مردم در امن و امان زنده‌گی می‌کنند. معنای این تبلیغات این است که هر شهروند افغانستان از هر گروه و تباری که باشد با هر اعتقاد و گرایشی در امنیت زنده‌گی می‌کند و هیچ تهدیدی متوجهش نیست، و اگر طالبان هیچ دستاورد دیگری ندارند، دست کم باید از جهت ممنون‌شان بود!

در سوی دیگر، دور از تصویری که دستگاه پروپاگندای طالبان ترسیم می‌کند، مطابق با گزارش‌های میدانی و خبرهایی که منابع محلی و شهروندان افغانستان با ترس و لرز در گوشه و کنار جرئت می‌کنند بروز بدهند، افغانستان به هیچ صورت برای مردمانش جای امنی نیست. کافی است که کسی نظر متفاوتی در امور سیاسی، دینی، یا اجتماعی داشته باشد یا به فعالیتی دست بزند که به سود طالبان تلقی نمی‌شود، حتی اگر صرفاً صبغه‌ی تعلیمی و فرهنگی داشته باشد، تا به زودی به سراغ وی رفته و پس از دستگیری جسد بی‌جان پیدا شود. ویژه‌گی مشترک این دستگیری‌ها و سر به نیست شدن‌ها، نادیده گرفتن هر گونه رویه قانونی با متهمان و مجازات آن‌ها بدون محاکمه و طی مراحل قانونی است. رویکرد حاکم بر وضعیت، رویکرد پولیسی است که به هر فرد مسلح وابسته به طالبان اجازه می‌دهد تا هر کسی را که منافی پالیسی طالبان تشخیص داد یا قلمداد کرد، دستگیر کرده و به مجازات برساند. این رویکرد به عناصر این گروه اجازه می‌دهد تا به این بهانه انواع استفاده‌جویی شخصی کرده و با زیر فشار گذاشتن بخشی از شهروندان از آنان باج‌گیری کنند و یا اموال و دارایی‌هایشان را تصاحب کنند.

دستگیری‌هایی که رخ می‌دهد، در قدم اول متوجه کسانی است که مظنون به همکاری و ارتباط با گروه‌های سیاسی-نظامی مخالف طالبان باشند، مانند جبهه مقاومت ملی، جبهه آزادی، جبهه متحد و سایر جبهاتی که معتقد به مقاومت مسلحانه در برابر طالبان هستند. با مکانیسمی که طالبان دارند، لازم نیست که کسی حتماً عضو یکی از این گروه‌ها باشد تا دستگیر و مجازات شود، بلکه صرف به میان آمدن شک یا طرح شدن اتهامی مبنی بر عضویت در این جبهات برای دستگیری و شکنجه شخص کفایت می‌کند. اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود.

بخشی دیگر از دستگیری‌ها متوجه گروه‌هایی است که از نظر فکری مورد تایید طالبان نیستند، مانند گروه‌های سلفی که لزوماً فعالیت سیاسی و نظامی ندارند، اما چون پیوندهای تشکیلاتی و سازمان‌یافته دارند طالبان از آنان مانند هر گروه منظم دیگر می‌ترسند و آنان را در معرض حملات خود قرار می‌دهند. اساساً طالبان از هر گونه تشکیلات و گروه سازمان‌یافته هراس دارند و سیاست این گروه بر انهدام و متلاشی کردن تمام ساختارهای سیاسی و اجتماعی متشکل بنا شده تا تمام مردم به آحادی تک و تنها، بی‌دفاع و آسیب‌پذیر در برابر دستگاه سلطه تبدیل شوند. آنان از این جهت هر گونه تشکیلات را در کشور منهدم و متلاشی می‌کنند.

بخشی از کسانی که دستگیر می‌شوند، فعالان آموزشی و فرهنگی‌اند که می‌خواهند راه‌هایی برای ترویج آموزش پیدا کنند، به‌ویژه برای دختران که طالبان از باسواد شدن‌شان هراسانند. انواع تضییقات و سخت‌گیری‌هایی که طالبان بر دانشگاه‌های خصوصی، مکاتب خصوصی، کورس‌های تعلیمی و مراکز آموزشی مختلف تحمیل می‌کنند، به این هدف است که روند آموزش غیردولتی سقوط کند و نهاد آموزش تنها در کنترل طالبان باشد و این گروه بتواند از این طریق نسل آینده را مطابق با برنامه‌های خود مغزشویی کرده و راه کنترل شهروندان را هموار کند. فعالان (ص ۷)